



کارگران ایران

ارگان هیئت مؤسس کندراسیون کارگران ایران - شماره ۶ - آذر ۱۳۵۸

گوشه‌ای زتظا هرات ضدا مپریا لیستی کارگران مقابل سفارت آمریکا



در این شماره: ● ضرورت تشکیلات مستقل ● مبارزه ضدا مپریا لیستی
● اخبار و گزارش‌های از: ● راه آهن ● توشیای رشت ● شرکت وزنه
● ذغال سنگ زیراب ● مرغداران خراسان ● آبادان ● ساری و...

به یاری زلزله زدگان بشتابیم

زمین لرزه با ردیگر بخشی از محرمترین هم میهنان ما را بیخانمان نمود و عده کثیری از آنها را به هلاکت رساند و خانواده های زیادی را متلاشی کرد. وظیفه دینی، انسانی و میهنی به ما حکم میکند که با تمام نیرو به یاری آسیب دیدگان و بازماندگان قربانیان این حادثه برخیزیم.

هیئت موسس کنفدراسیون کارگران ایران، خود را عمیقاً در این مصیبت وارده با عموم ملت ایران و بازماندگان این حادثه شریک دانسته و از کلیه کارگران بخصوص کارگران عضو میخواست که با تمام امکانات به یاری هموطنان خود بشتابند. اطلاعیه فوق بیست و چهارم ماه گذشته به مناسبت وقوع زلزله خراسان از طرف دبیرخانه هیئت موسس کنفدراسیون کارگران ایران صادر شد.



افتتاح شعبه خوزستان

در جلسه افتتاحیه هیئت موسس کنفدراسیون کارگران ایران - بخش خوزستان که در تاریخ جمعه ۵۸/۸/۲۵ با حضور عده زیادی از کارگران در آبادان برگزار شد، در پایان جلسه قطعنامه ای به تصویب رسید که بخشهایی از آن را ذیلاً منتشر میکنیم:

"مردم مبارز ما تحت رهبری امام خمینی بهیچا خاسته اند. بهیچا خاسته اند و او هر یمن افعی صفت محمد رضا شاه را از اینکه قدرت بزرگشیدند، بهیچا خاسته اند و ضربه محکمی بر پیکر امپریالیسم آمریکا وارد آوردند بهیچا خاسته اند و تا پیروزی کامل بر ابرقدرتها ی شرق و غرب بهیچا حفظ استقلال کامل مملکت از آنها نخواهند نشست"

همانطوریکه کارگران و زحمتکشان این مملکت ستون اصلی انقلاب شکوهمند اسلامی بود، ادا مه پیروز - مند آنها بمعهد کارگران و زحمتکشان میباشد. زیرا بقیه در صفحه ۲۷

تفصیح عمل اتحادیه کارگران بندری آمریکا

در اوج کشمکشهای ملت ایران و دولت آمریکا، خیرگزاری ها از قول اتحادیه کارگران بندری آمریکا اعلام کردند که تخلیه و بارگیری کشتی های ایرانی در بنادر غربی آمریکا را تحریم کرده اند. رئیس این اتحادیه همچنین گفت که هیچ کالایی به مقصد ایران بارگیری نمی شود و هیچ کالای وارده از ایران نیز تخلیه نخواهد شد.

هیئت موسس کنفدراسیون کارگران ایران این عمل اتحادیه به اصطلاح کارگری فوق الذکر را بشدت تفصیح میکند. و معتقد است که رهبری و فرماندهی این تشکیلات در دست سرمایه داران و انحصار کارگران امپریالیستی میباشد. زیرا هیچ کارگر شریفی در هیچ کجای دنیا در مقابل ملت مبارز ایران حاضر نیست از فرد جنا پتکاری مانند محمدرضا پهلوی دفاع کند و در تحریم اقتصادی ایران به نفع امپریالیستها شرکت کند.

جلسات هفتگی

هر هفته روزهای یکشنبه ساعت ۱۰ بعد از ظهر در محل دبیرخانه هیئت موسس کنفدراسیون جلسات عمومی برگزار میشود. در این جلسات کارگران و عموم نمایندگان کارگران بطور آزاد شرکت میکنند. بدینوسیله از کارگران دعوت میشود که در این جلسات جهت بحث و تبادل تجربه شرکت نمایند.

ما هنامه

کارگران ایران

سردبیر و مدیر مسئول بینا و شهرداری

نشانی: خیابان طالقانی (تخت

جمشید) بین حافظ و معدق پلک

۱۲۲ - تلفن ۶۶۲۲۷۹

مبارزه ضد امپریالیستی را گسترش دهیم

به مناسبت اشغال لانه جاسوسی آمریکا

مقابله با محاصره اقتصادی، ما کارگران بیشتر از کلیه اقشار و طبقات دیگر زیر فشار خواهیم بود، چرا که عمده اقتصاد مملکت بدست ماست که میجر خود از کارافتادن این چرخ، سبب از کارافتادن نیروی با زوی ما خواهد شد. پس ما با تلاش بیشتر برای بالا بردن رشد تولیدات ملی و تکامل به نیروی خود و با وحدت و یکپارچه کردن صفوف خویش در تشکیلات مستقل کارگری میتوانیم دستش آنها را نقش بر آب کنیم. ما کارگران وظیفه خود میداریم پیشگام مبارزه علیه امپریالیسم بوده و همدوش تمام مردم قاطعانه این مبارزه را تا به آخر پیش ببریم.

امام خمینی :

" رابطه ما با آمریکا و شوروی مثل رابطه بره با گرگ است "

برای این شرایط حساس، که انقلاب اسلامی کشور ما در معرض توطئه و خرابکاریها و ضد انقلاب قرار گرفته و جگیری مبارزات علیه امپریالیسم آمریکا مهم و ملی است. ما همگام با رهبران و رها در سخنان ایشان گفته اند و همگام با رهبران ملت ما در راهیما شایسته، نمازهای جماعت و در اجتماعات گوناگون با صدا میبلند فریاد برآورده است: خطر از جانب دوا امپریالیسم شرق و غرب متوجه میهن ما است، این مسئله مهم را هرگز نباید از خاطر برد، کم نیستند مثالیها شیکه شاهد غارتگریها و چپاولهای بر قدرت شرق هستند. به اطرافمان نگاه کنیم: هم اکنون در کشور همسایه ما، مردم دلیرو قهرمان افغانستان، در حال مبارزه با رژیم ضد مردمی حفیظ الله امین، نوکر سرسپرده امپریالیسم شوروی هستند. همین دولت شوروی است که همچون آمریکا در کردستان و خوزستان بوسیله نوکرانش لحظه ای دست از خرابکاری برنمیدارد. همین دولت است که گام را به ۱/۳ قیمت

لانه جاسوسی آمریکا اشغال شد. این خبر در روز یکشنبه ۱۳ آبان گذشته از طریق رادیو و تلویزیون در سراسر کشور پخش شد. تصرف سفارت آمریکا، آتش خشم و تنفر ملت را بر علیه این امپریالیسم شعله ور تر ساخت. مردم سراسر ایران از کارگران و کشاورزان گرفته تا کارمندان و بازرگانان فرستادن پیامها و عمل انقلابی را تأیید کردند. این اقدام که همراه با گروهگان گرفتن کارکنان آمریکا و این مرکز فساد و توطئه بود، تریبی و وحشت بی اندازه ای را در دل جهانخواران انداخت. شدت یافتن مبارزه مردم این ابر قدرت خون خوار را بدست و پا انداخته بطوریکه از دولتهای دیگر خواستار میانه گیری شده است. این همان کشوری است که شاه مخلوع، قاتل صدها هزار ایرانی مبارز را به بهانه معالجه پنهان داده است و یکی از مهمترین خواسته های دانشجویان مبارز و تظاهری می مردم میهنمان هم استرداد شاه مخلوع است، تا در پیشگاه ملت، در دادگاه انقلابی محاکمه گردد. مردم ما خواهان ادامه مبارزه علیه امپریالیسم آمریکا تا کسب استقلال واقعی هستند. ملت ما میدانند که بدنبال این عمل، امپریالیسم آمریکا ساکت نخواهد نشست و به توطئه های مختلف از جمله محاصره اقتصادی دست خواهد زد. با پیش آمدن این شرایط مردم دلیر ایران تا پای جان در راه استقلال میهن و عدم وابستگی به بیگانگان مبارزه خواهند کرد. همگام با رهبران دوران دولت ملی دکتور مصدق ملت ما محاصره امپریالیسم انگلستان را به سلاح جراحی علیه آنها تبدیل کرد، اما من نیز در سخنان نشان مردم را به ادامه این مبارزه دعوت کردند و آبرور و آبروان مقدم شمردند، چرا که خوب میدانند تا حیثیت و استقلال کشور حفظ نگردد، رفاه واقعی هم بوجود نمیآید. در

اعتراض به مذاکره خصوصی در وزارت کار

استگونه منت ها نداریم .
 در اینجا آقای مالحي دست نماينده را گرفت و به
 اتاق ديگري برد و مدني با او صحبت كرد . وقتي
 برگشتند ، آقای مالحي گفت : ايشان اجازه
 برگرداندن شما را بزرگوار ندارند . كارگران به
 اين حركت آنها اعتراض كردند كه به چه حقي با نماينده
 كارفرما جلسه خصوصي تشكيل داده و سر خود تصميم
 گرفته اند . آقای مالحي گفت : مي خواستيم به
 توافق برسيم . كارگران گفتند كه ما اين توافق
 را قبول نداريم .

كارگران از اينكه مراجع قانوني از كارفرما
 دفاع مي كنند نا راحت بودند و جلسه با اعتراض آنها
 به پايان رسيد .

جلسه بعد روزيكشنبه بود كه تصميم گرفته شد چهار
 نفر از كارگران اخراجي بزرگوار بزرگوارند كه كارگران
 اين تصميم را قبول نداشتند و قرار گذاشتند كه به
 مراجع بالاتر مراجعه كنند .



بقیه مبارزه ضد امپریالیستی

بين المللي ميخورد و در آي آن براي ما با ملاحظه
 مادر - خوب آه - را ساخته است ليكن كارخانه اي
 بما تحويل داده است كه روزانه قريب يك ميليون
 تومان ضرر ميدهد . پس مردم ما بايد در حاليكه قاطعانه
 عليه امپرياليسم آمريكا مبارزه ميكنند ، ساير
 امپرياليستها را فرا موش نمايند . نداشتن هشيار
 در اين مورد ما را با ده سالهاي ۳۲ ما نداد . زما نيکه
 در نيضت ملي شدن نفت برهري دكتور مصدق ، بر عليه
 امپرياليسم انگليس ، نتوانستيم آگاهانه بر عليه
 امپرياليسم نوخاسته آمريكا نيز مبارزه كنيم و ملت
 ما مجبور شد كه قاصي آن را با تحمل ۲۵ سال ديكتاتوري
 و جنايت و غارت خانوادۀ ننگين پهلوي ، پس بدهد .
 اين چنين است كه از تاريخ كشورمان درس ميگيريم
 و امروز در مبارزه ضد امپرياليستي بر عليه كلييه كشور
 هاي ميگانه غارتگر و بخصوص عليه بر قدرتهاي شرق و
 غرب ، مبارزه ميكنيم و با تكيه به تيروي مي پايان
 مردم ميهنمان و بخصوص زحمتكشان ، در ادامه انقلاب
 ملي و حفظ دستاوردهاي آن ميكوشيم .

از مدت ها پيش كارگران مرغ گدخدا در تدارك
 بودند كه تشكيلات كارگري براي خودشان درست كنند ،
 اين امر با توطئه چيني كارفرما و بيرون كردن ۸ نفر
 از كارگران به بهانه اخلاصگري به عقب افتاد ، اين
 ۸ نفر كساني بودند كه كارگران چندتن از آنها را به
 عنوان نماينده ميخواستند انتخاب كنند .

در روز چهارشنبه ۱۶ آبان در اداره امور
 كشاورزي وزارت كار ، جلسه اي براي رسيدگي به
 وضع اين كارگران برگزار شد كه در آن چندتن از
 كارگران اخراجي ، معاون مدير كل اداره كار و
 امور كشاورزي ، آقای مالحي و نماينده كارفرما و
 سرپرست مجتمع مرغ گدخدا حضور داشتند . در ضمن
 بعنوان پشتيباني از كارگران اخراجي ، ۲۵ نفر از
 كارگران مرغ گدخدا در بخش قزوین نيز به اين اداره
 آمده بودند .

ابتدا آقای مالحي علت اخراج را پرسيد ، كه
 نماينده كارفرما علت را ما ز ادب را احتياج ذكر كرد ،
 در صورتيكه قبلا "علت را" اخلاصگري" ذكر كرده بود . در
 مورد ما ز ادب را احتياج بودن ، كارگران گفتند :
 بعد از اخراج ما ۸ نفر ، سه چهار روز بعد ۱۲ كارگر
 بطور موقت استخدام شدند . نماينده كارفرما از اين
 جريان اظهاري اطلاعي كرد و سرپرست گفت : اين
 عده كارگر سالن هستند و بهانه هاي ديگر آورد . ضمنا
 در بين ۷۰ كارگري كه آمده بودند ، چند كارگر جديد
 حاضر بودند كه خود را معرفي كردند ، در اينجا نماينده
 كارفرما بهانه هاي ديگر مثل اينكه پول نداريم و
 قرض داريم وغيره آورد . وقتي آقای مالحي خواست
 كه كارگران بزرگوارشان برگردانده شوند ، نماينده
 كارفرما گفت : من اختياري ندارم و فقط مسئوليت
 تويه حساب را دارم .

كارگران گفتند تو كه اختياري نداری چرا
 آمدی ؟

نماينده كارفرما گفت : من ميتوانم از كارفرما
 خواهش كنم كه شما را برگرداند . يكي از كارگران
 گفت : ما يك عمري بدون خواهش كار كرديم و از اين
 پس هم بدون خواهش زندگي مي كنيم ، و احتياج به

از حیب بخورد زیرا در زمان اشتغال در برابر هزینه و مخارج کم‌ترکن زندگی، بولی برای پس انداز باقی نمی‌ماند. در چنین شرایطی وقتی بحران بیکاری پیش می‌آید کارگران را چاره‌ای برای نجات از گرسنگی به کارهای سخت و کهنه با دستمزد ناچیز تن بدهد.

کارگران غل هم مجبور است از ترس اخراج و بیکار شدن شرایط طاقت‌فرسای کار را تحمل کند و به مزد کم قانع باشد. زیرا در زمان بحران بیکاری، وقتی یک کارخانه آگهی استخدا می‌دهد بلافاصله چند صد نفر را طلب مراجعه میکنند. هر یک از کارگران را و طلب برای این که بیشترشان رفتن به سرکار را داشته باشد حاضر می‌شود که شرایط کار فرما را که کمترین مایه کفره و به نفع اوست، در مورد دستمزد و ساعات کار و غیره بپذیرد.

بعنوان مثال در حال حاضر که نوعی بحران بیکاری در مملکت ما وجود دارد، در بسیاری از کارخانه‌ها و کارخانجات و مخصوصاً در شهرستانها و مناطق دور از مرکز حتی حداقل دستمزد تعیین شده فعلی که ۵۶۷ ریال است پرداخت نمی‌شود. حال کارگری نداریم که دستمزد به هیچ وجه حوا بگوی مخارج سرما آورد و زندگی نیست.

در مورد پاشین بودن دستمزدها مخصوصاً وضع کارگران کشاورزی از همه بدتر است. آنها از پاشین تا شام در شرایط سخت و با پاشین‌ترین دستمزد که به دلخواه کارفرما تعیین می‌شود کار میکنند و تا زنده هر موقع که ما حینا دلش خواست آنها را مرخص میکند. همان نظوری که گذشت، کارفرما خریدار نیروی کار است. و برای این که سود بیشتر ببرد، تا آنجا که بتواند کوشش میکنند مزد کمتری بپردازد. به همین دلیل از وجود بیکاری در جامعه لذت می‌برد و تا بتواند به آن دست نیازد از پاشین پاشین ماندن سطح دستمزد می‌شود.

از طرف دیگر بحران بیکاری شرایط را برای او مساعد نمی‌کند که بهین کارگران بیکار و شاغل غل نفاق بیندازد و با ایجاد دستگی هر طور که دلش خواست از کارگران کار بکشد و دستش هم برای اخراج آنها باز باشد.

بنا بر این معلوم است که بحران بیکاری فقط

بقیه در صفحه ۶

کارفرما از بحران بیکاری لذت می‌برد

مقاله‌ای در مورد بحران بیکاری و تا شیر آن برآمده‌ها

بحران بیکاری کنونی، مسلماً نتیجه تسلط طولانی امپریالیسم وارثیه‌نگین رژیم وابسته شاه است. ولی بطور کلی بیکاری ناشی از استیلا سرمایه‌داری است و تا وقتی وجود دارد بیکاری هم بصورت دردی مزمن و علاج‌ناپذیر جزئی از آن است.

روشن است که با رستگین نتایج سوم و مصیبت‌بار بحران بیکاری در تمام زمینه‌ها بیشتر از همه بر دوش کارگران است.

از جمله مسائل مهمی که به بحران بیکاری ارتباط نزدیک دارد و تحت تا شیر آن می‌باشد دستمزد کارگران است. کارگر نیروی کار خود را با زای مقداری پول به کارفرما می‌فروشد. نیروی کار نیز مثل هر جنسی که خرید و فروش می‌شود تابع قانون عرضه و تقاضا است. کارگر تا آنجا که بتواند سعی میکند نیروی کار خود را از آن فروشد تا بتواند ما بحتا چ زندگی خود را خانواده‌اش را تامین کند.

اما کارگر نمیتواند مدت زیادی بیکار بگردد و



کارگران راه آهن چه می گویند!

ترتیب اثر ندادند، تازه آمده اند زمین نوع ۱۳۰ تنی اش را سفارش داده اند، مونتاژگران و تکنیسینها یمان هم اعطای کرده اند که گران ها هم بدرد نخور باشند همگی در پیشگاه امام بخاطر این حیف و میلها تحمّن خواهند کرد.

در ادامه صحبت، کارگری میگوید: "بخاطر همین کارکنیها در حال حاضر تقریباً ۳۴۰ دستگاه دیزل خوابیده است."

نتیجه بی توجهی

علی اکبر رهبر متصدی قسمت شاسی در دلد میکند که نتیجه همه این بی توجهیها ایجاد بی علاقگی و کم کاری در کارها است که الان می بینیم راندمان ۵۰٪ پایین آمده است، و یکی از دلایل ماندن کالاهادر

بنا در همین است، وی از کلیه همکاران خود تقاضا داشت که در نگهداری اموال ملت بیشتر بکوشند.

در گفتگو با اعضای شورای آقای جگینی ضمن تأیید گفته های دوستانش اضافه کرد: "یکی دیگر از مشکلات ما در حال حاضر بحالت روه سا و مدیران در کلاس شوراها یمان است، "داود پناهی عضو دیگر شورا نظر خود را در همین مورد را شده کرده و گفت: "اصولاً شورا های کارگری باید از خود کارگران تشکیل و با فکر خود آنها اداره شود، و صرفاً به مسایل خود کارگران بپردازد، با توجه به این نظر ما حتی دو نفر را که دولت برای شورا معرفی کرده بود نیز بفرستیم.

در همین قسمت اکبر فرشته کارگری که حدود شش ماه از استخداش میگذشت گفت: "ما حدود ۱۱ نفری که بصورت روزمزد استخدا شده ایم، حقوقمان بعد از کسر بیمه و بازنشستگی و... در حدود ۱۲۰۰ تومان میشود، خواست ما این است که به وضع استخدا می ما رسیدگی شود، همچنین وضع درمانی ما، چون با این دفترچه درمان اجتماعی که داده اند هیچکجا ما را قبول نمیکنند، چرا به ما بن خواروبار نمی دهند؟ در

نظر به اهمیت و نقش راه آهن در اقتصاد کشور ما و اینکه بیش از ۴۰ هزار نفر در قسمتهای مختلف آن کار میکنند لازم دیدیم گزارشی از وضع کارکنان این بخش داشته باشیم.

گزارش زیر حاصل گفتگوی خبرنگاران مجله با کارگران بخشهای مختلف راه آهن است که بطور عمده در اطراف ضرورت پاکسازی محیط کار، کمبود قطعات یدکی، پائین بودن سطح دستمزدها و اضافه کاری و مشکلات مسکن و خدمات درمانی دور میزند:

گزارشمان را با گفتگو با کارگران قسمت تعمیرات دیزل (بخش مکانیکی) شروع میکنیم:

کارگری بعد از ذکر اینکه اصولاً انقلاب در راه آهن صورت نگرفته از مشکل مسکن، بهداشت و درمانی اضافه کاریها شکایت میکند و میگوید: "آمدند دفترچه های خدمات درمانی ما را تبدیل به خدمات اجتماعی کردند که هیچ بیمه رستان و پزشکی آنرا قبول ندارند، بیمه رستانهای راه آهن راهم که از پول ما ساخته شده بود گرفتند، به اسم ما کوی کارگران ساختند ولی آنرا به یک عده از روه سا و کارمندان عالیرتبه دادند که که احتیاج به این خانه ها نداشتند."

آقای ذوالفقار شفقی یکی دیگر از کارگران همین بخش میگوید: "اصولاً در راه آهن یک مشکل اساسی هست و آن وجود یک دستگاه داری مستبد در گذشته بوده است که متأسفانه هنوز هم با برجاست."

کارگر دیگری بنا م آقای فرادی حرف همکار خود را قطع کرد و گفت: "خیلی وقتها میشود که درخواست یک قطعه را میکنیم که ترتیب اثر نمی دهند، مثلاً مسئول قسمتی را که ما بدلیل کارشکنی و بی لیاقتی از اینجا بیرون کردیم مقام مشاور مالی این امور را برعهده

گرفته که همان روال سابق را ادامه میدهد.

همین کارگر اضافه میکند: "قبلاً ۷ جرثقیل ۹۰ تنی خریداری شده که تکنیسینهای ما ضمن کار متوجه شدند که بدرد نمی خورند، به روسای قبلی این را گفتیم ولی



آقای ابو حمزه، پاسداری که کارگر همین بخش است به جرقیل های عظیمی اشاره میکند که توسط افراد همین قسمت بدون هیچ چشمداشتی در وطنسازیه برای راه انداختن کارها نصب شده است. وی اشاره میکند که فقط با آوردن این جرقیلها (غیر از نصب) توسط شرکتهای خصوصی حداقل ۴۰ هزار تومان هزینه لازم دارد.

کارگران بخش بوفه و رستوران

برای تهیه بقیه گزارش با کارگران بوفه رستورانهای راه آهن گفتگو میکنیم. افراد این بخش عمدتاً از طولانی بودن ساعت کار و پائین بودن مزدها گلّه داشتند.

مثلاً آقای پدالنده دودانگه متمدنی رستوران شرح میدهد که بعد از ۱۲ سال کار تازه ۲۵۰۰ تومان که شامل کلیه مزایای شغلی نیز میشود میگردد و

بقیه در صفحه ۳۱

مورتی که طبق قانون باید به حقوقهای پائین تر از ۲۵۰۰ تومان تعلق بگیرد.

در بخش الکتریکی همین قسمت پای صحبت همامی نشینیم. قربان مردانی که بگفته خودش ۱۱ سال سابقه کار در این قسمت دارد در مورد اهمیت کار این بخش میگوید: "اینجا قلب راه آهن است و اهمیت زیادی دارد و با وجود این محل کار ما نه نور کافی دارد و نه از نظر سرما و گرما محل مناسبی است.

وی اضافه میکند: "اگر وسایل کافی به ما بدهند ما میتوانیم کلی مشکلات فنی راه آهن را حل کنیم. این همه زنی را تور و الکتر و موتور اینجا ریخته و خاک میخورند که ما در زمان طاعون نگذاشتند به آنها دست بزنیم و کوچکترین عیب دستگاه یا باسددر آمریکا برطرف میشود و مثل اینها دور ریخته میشود. همامانطور که میبینید الان ما توانسته ایم کمک بقیه همکاران چندتایی از آنها را تعمیر و قابله استفاده کنیم.

مبارزه برای تشکیلات واقعی

تا سیات سیمرغ و مزرعه رضا که در ۳۰ کیلومتری مشهد قرار دارد یکی از مجتمع های بزرگ تولید گوشت و تخم مرغ است که فقط تولید تخم مرغ آن روزانه بیش از ۲۰ تن میباشد.

در این شرکت در حدود ۳۰۰ کارگر کار میکنند که عمدتاً دو بخش هستند: کردهای خراسانی و ترکهای اطراف قوجان. این کارگران از لحاظ رفاهی تاکنون شدت در فشار بوده اند بطوریکه تا چندین پیش حقوق روزانه آنها ۳۰ تومان بیشتر نبوده است.

بعد از انقلاب یک شورا در کارخانه بوجود می آید که تعدادی از اعضای آن بطور عمده عامل کارفرما بوده و کارگران آنها را قبول نداشته اند. و همین دلیل یکی از خواسته های کارگران این بوده که همه شورای قسلی منحل و شورای جدیدی درست شود.

الست بعضی از اعضای شورای قسلی منحل آنگاه دولفقار که سخما در جهت منافع کارگران کوشش فراوان نموده مورد تائید کارگران است.

در انتخابات جدیدی که صورت گرفت بعلمت توطئه و نفاق افکنی کارفرما، با زهم عوامل کارفرما به داخل شورا راه یافتند و کارگران عقیده دارند که این شورا هم دوام نخواهد یافت.

سیاری از کارگران شرکت سیمرغ و مزرعه رضا اعتقاد داشتند که اول باید با توطئه های نفاق افکنانه مبارزه کرد و میان کارگران اتحاد بوجود آورد و پس از آن یک سندیکای کارگری واقعی بوجود آورد که بتواند از حقوق حقه آنها دفاع نماید.

بقیه کارفرما از بحران

مشکل بیکاران نیست بلکه دامنگیر تمام طبقه کارگر است. و در واقع مسائل و گرفتاریهای آنها ریشه مشترک دارد. به همین دلیل هم فکری و همکاری بین آنها لازم است. این همکاری از طریق تشکیلات کارگری امکانپذیر است که اولاً بر تعیین و پرداخت دستمزدها نظارت داشته باشد و ثانیاً با استخدام کارگر جدید هم از طریق این تشکیلات یعنی اتحادیه ها و سندیکاهای کارگری صورت بگیرد.

توطئه خنثی شد

گزارشی از شرکت وزنه

گزارش خبرنگار ما از شرکت وزنه حاکیست که بعد از چند ماه سرگردانی، بالاخره اعضای شورای این کارخانه در یک جلسه مشورتی با صدور توافقنامه ای توطئه های کارفرما را خنثی کردند.

از چند ماه پیش کارفرمای این شرکت قصد داشت یک بخش از کارگاه را تعطیل کند و کارگران آن قسمت را که بیش از ۵۰ نفر هستند، اخراج کند و بماندگان این بود که تولیدات کارخانه فروخته شود و در این مورد محوزی هم از وزارت صنایع و معادن گرفته بود که در همین شماره کلیشه شده است.

کارفرما برای اینکه از خودش سلب مسئولیت کند، یک صندوق خالی هم تحویل شورا داده و در واقع مسئولیت تا مین حقوق کارگران را بدوش آنها گذاشته بود. در نتیجه اولاً پرداخت حقوقها عقب افتاده و ثانیاً باعث شده بود که کارگران خود را مقصر بدانند.

در جلسه ای که شورا تشکیل داد، اعضای شورا به این نتیجه رسیدند که اولاً کارفرما مسئول تا مین و پرداخت هزینه حقوق کلیه کارگران است و ثانیاً اگر کارفرما ادعا میکند که نمی تواند هزینه های شرکت را تا مین کند، باید تصمیم خود را در کوتاه ترین مدت اعلام و شرکت را جهت سرپرستی به دولت تحویل دهد.

بدنبال صدور این توافق نامه که در یک جلسه عمومی مورد تائید کلیه کارگران شرکت قرار گرفت، از کارفرمای شرکت نیز نامه ای با این مضمون که قادر به اداره شرکت نیست، اخذ شد. لازم به توضیح است که قبلاً کارفرما از اعلام چنین تصمیمی خودداری میکرد.

بنا بر این لازم است که هر چه سریعتر از طرف دولت سرپرستی جهت این شرکت تعیین شود تا کارگران از بلا تکلیفی نجات یابند. ضمناً "مراحل اداری این موضوع از طرف شورای کارخانه و دبیرخانه هیئت موسس کنگهدار سیون کارگران ایران دنبال میشود.

راه حل بحران اقتصادی؟!



وزارت صنایع و معادن

کلیشه‌ها مع وزارت صنایع که در واقع نوعی جواز اخراج کارگران است

جناب آقای امیر ناصر حجازی

معاون وزیر مشاور در امور اجرایی

شماره
تاریخ
پست
واحد

بازگشت بنامه شماره ۲۰۹۸۴ مورخ ۱۳۵۸/۷/۹ مقیم
بنامه شماره ۳۱۰ مورخ ۱۳۵۸/۶/۲۵ شرکت وزنه در مورد
تصمیم شرکت مزبور راجع به تصفیه حساب با کارگران مسازاد
براحتیاج بدینوسیله باستحضار میرساند:
برخی از کارخانه‌هایی که بدلیل بحران اقتصادی بازاری-
فروش خود را از دست داده اند بمنظور جلوگیری از تعطیل
آنها لازم است که از تعداد کارکنان خود بکاهند.

رونوشت: وزارت کار و امور اجتماعی جهت استحضار
وزیر صنایع و معادن

۳۰۷۵۱۹

۱۳۵۸/۷/۳۸

رونوشت: تهران خیابان آزادی شماره ۶۴۶ شرکت وزنه

د فتر معاونت صنعتی

آقای حسین مظفریان

و پیدا کردن راه‌هایی برای آن
بقه کارگری را که خود قربانی این
بحران است و فشار طاقت فرسای
آنها با گوشت و پوستش لمس می‌کند
چسبیده‌اید؟

خود که نتیجتاً "منحربه افزایش
بدون کنترل خیل بیکاران خواهد-
شد. بیشتر به این بحران اقتصادی
دامن می‌زنید؟ چرا بجای بررسی
علل واقعی بحران اقتصادی کونی

بحران اقتصادی جامعه را فرا-
گرفته و خیل بیکاران روزافزون
تیرباران بحران دامن می‌زند و
ساده‌ترین و عملی‌ترین "راه‌تزی" برای
کارفرمایان و مدیران شرکتها و
کارخانجات اخراج کارگران ما راه
براحتیاج است! و برای قانونی-
کردن کار خود دست‌بندایی وزارت
صنایع و معادن میشوند که کار
فروش‌نداریم و اگر کارگران را اخراج
نکنیم، کارخانه تعطیل خواهند شد
و جناب وزیر هم با "احساس مسئولیت"
که کارخانه تعطیل نشود، نه تنها
اقدام کارفرمای شرکت وزنه را
نابیند میکند، بلکه طبق نامه ضمیمه
حکم عمومی صادر شده است تمام
کارفرمایان را برای یک چنین
اقدام ضدکارگری باز میگذارد و با
یک چنین "حکمی" راه حل "انقلابی"
خود را برای رفع بحران اقتصادی
ارائه می‌نماید! گویا دیواری از
دیوار کارگوشید و زحمتکش کوناهتر
پیدا کرده‌اند و گویی کارگری که
گفته امام "اداره‌کننده امور این
زمین است" مفروضه‌عامل اصلی این
بحران اقتصادی است!
جناب آقای وزیر، شما که با
این "احساس مسئولیت" برای
جلوگیری از تعطیل کارخانه در
حقیقت فقط به کارفرمایان خدمت
می‌نمائید، آیا برسروشت این
کارگران اخراجی و زن و بچه و
زندگی آینده‌شان هم فکر کرده‌اید؟
شما که در فکر "حل" بحران اقتصادی
هستید، فکر نمی‌کنید که با این حکم

ضرورت تشکیلات مستقل کارگری

اقتصادی و سیاسی، مبارزات مردم را هدایت کند. برای درک چگونگی تشکیلات کارگری توضیح چند نکته لازم است. کارگران و سرمایه‌داران از دو طبقه‌اند. کارگری نیروی کارش را میفروشد و سرمایه‌دار آنرا میخرد. کارگر مالک ابزار و وسایل تولید نیست، سرمایه‌دار مالک کارخانه، زمین و سایر مواد مورد نیاز تولید است. کارگر استثمار می‌شود. سرمایه‌دار استثمار می‌کند. این دو طبقه منافع متفاوتی دارند. و چنین است وضع کارمندان که قدری به این و قدری به آن نزدیک‌اند و اقشار میانی و غیر کارگری را تشکیل می‌دهند.

بنا به موارد ذکر شده چنانچه تشکیلاتی شامل کارگران کارمندان و کارفرمایان ایجاد شود، نمی‌تواند به فعالیت خوبی بپردازد و خیلی زود به علت تضادهای درونی، اختلاف منافع، طبقه، عقیده و هدف از همین رفته و منطقی می‌گردد. در واقع برای هر واحد و همکاری ابتدای لازم است تضادها کاملاً روشن شود و سپس بر اساس وجود اشتراک واقعی همکاری آغاز گردد. در تشکیلات مختلف هیچگونه تصمیم واحدی نمی‌تواند اتخاذ شود و بر فرض که چنین شود نمی‌تواند در آن واحد هم به نفع کارگران باشد و هم منافع کارفرمایان را تأمین کند. برای مثال کارگر خواهان دستمزد بیشتر، حق اعتصاب، مرخصی بیشتر ساعات کار کمتر، بهبود شرایط بیمه و بهداشت، حذف یا کاهش مالیات است و می‌داند که همه اینها یعنی کمتر شدن سود کارفرما یا سرمایه‌دار. حال قضاوت آسان است چطور می‌توان تصمیمی گرفت که خواسته کارگر برآورده شود و سرمایه‌دار را اعتراضی نکرده و با کمال میل موافقت کند.

در مورد کارمندان نیز باید گفته شود که این دسته علیرغم تفاوت با کارفرما وضعی مشابه کارگران نداشته و به علت دستمزد بیشتر و دوری از تولید و رابطه غیرمستقیم با آن و در مجموع داشتن امتیازات بیشتر، منافع مخصوص خود را دارند. بقیه در صفحه مقابل

در این مقاله درباره تشکیلات صنفی - سیاسی کارگران و ترکیب طبقاتی و وظایف آن بحث می‌شود. تجارب مبارزات مردم مالک مختلف نشان داده است که حکومت‌های استبدادی و رژیم‌های بوسیده را می‌توان بوسیله یک حرکت وسیع توده‌ای از میان برداشت و سرنگون کرد. این تجربه در همین ما نیز به اشکال رسیده.

فشار رژیم بیشتر بر طبقه محروم وارد می‌شود لیکن به علت همه‌گیر بودن ظلم و تعدی آنچنان نفرت و کینه‌ای در اکثریت مردم ایجاد کرده بود که نتوانستند تشکیلات منظم و اساسی مانع پیروزی آنجا نشد. در جریان مبارزات انواع سازمانها و تشکیلات خودجوش و بدون حدود مرز طبقه‌ای شکل گرفت و با وارد آوردن ضربات سیاسی بر پیگیر بوسیده رژیم مبارزه را به جلو برد. رژیم عاجز از آن بود که راه نجاتی داشته باشد.

دوران دوران تخریب و ویرانی بود، ویرانی و سرنگونی رژیم حتی به قیمت توقف کامل اقتصاد، کارگری‌ها همیشه با مبارزه می‌کرد. زیر فشار رگم - پولی، بی پولی و قطع دستمزد قرار می‌گرفت لیکن دست از مبارزه نمی‌کشید. همه چیز موقوف شده بود به پس از سقوط شاه، شعار بحث بعد از مرگ شاه تا حد زیادی گویای همین وضع بود و نشان میداد که مسائل زیادی مانند رفاه و آزادی زحمتگشان، مسئله کارمندان، مشکلات سرمایه‌داران و کشاورزان وجود دارد که در مرحله بعد مطرح شده و باید یک بیک حل و فصل شود.

هر مرحله‌ای تشکیلات خاص خود را میطلبد.

اکنون استبداد از زمین رفته و سلطنت وابسته و از گون شده است و انقلاب وارد مرحله نویستی گشته. مرحله مبارزه با امپریالیسم. در این مرحله مردم ایران مبارزه‌ای سخت و پیچیده و طولانی در پیش دارند. مبارزه‌ای که احتیاج به تشکیلات دارد، تشکیلاتی نو و تازه که بتواند ضمن برآوردن خواسته‌های

دو وظیفه تشکیلات صنفی - سیاسی کارگران

این یک واقعیت مسلم است که بسیاری از اقشار و طبقات غیر کارگری در حال حاضر درگیر مبارزه با امپریالیسم بوده و در کنار چند میلیون کارگر و تحت رهبری قاطع امام خمینی حرکت میکنند. این درست است که چنین شرایطی مبارزه اصلی و هدف فوری کسب استقلال وطن میباشد و به همین مناسبت کارگران ایران را شرایط خاصی هستند. از یکسو برای گرفتن خواسته های طبقاتی و رفاه و آسایش و آزادی خود مبارزه میکنند و از سویی بعنوان نیروی اصلی انقلاب پاسدار و ادامه دهنده مبارزه ضد امپریالیستی میباشد. این شرایط باعث بروز و ایجاد وحدت ضد امپریالیستی تمام طبقات خلق شده و بسیار حائز اهمیت است و هوشتیاری زیادی لازم دارد. بهترین راه حل و قوی ترین جنبه تشکیلات امپریالیستی اینست که هر طبقه و قشری تشکیلات مورد نیاز خود را مستقلا ایجاد کرده و در وحدت سیاسی با هر قشر و طبقه ای که در عمل به انقلاب کمک میکند فعالیت مشترک نماید. در این رابطه کارگران باید نمونه و سرمشق همبستگی ملی و خلق بوده و از وحدت ضد امپریالیستی مبارزین واقعی حمایت کنند. در واقع کارگران از دولت و سرما به داران خواسته های سیاسی - اقتصادی خود را مطالبه کرده و در مقابل برای پیشبرد مبارزه ملی آماده هرگونه کمک ممکن خواهند بود. زیرا کارگران میدانند که بدون کسب استقلال واقعی، آزادی و رفاه از حمتگشان ممکن نیست و متقابلا بدون توجه به خواسته های رفاهی و سیاسی کارگران و حمتگشان استقلال واقعی میسر نخواهد بود. بنا بر این ایجاد تشکیلات واقعی و مستقل کارگری گامی است در راه استقلال.

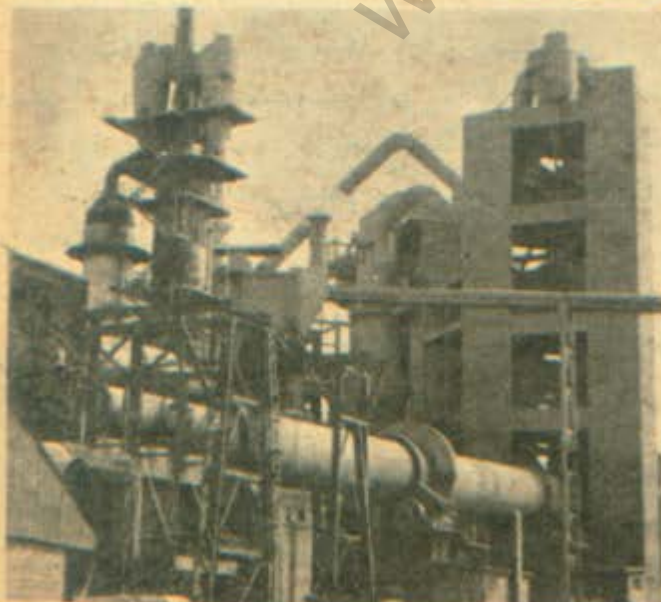
در واقع تشکیلات صنفی - سیاسی مختلط (کارگری - کارمندی - کارفرمایی) به معنوی میماند که امکان هرگونه عمل متحد را از خود سلب کرده و با عت بروز مخاصمات بیهوده نیز میشود و در نهایت آن زمینه واقعی همکاری و وحدت بین طبقات و اقشار را نیز از میان برمیدارد. ضرر دیگر اینگونه تشکیلات اینست که امرتاسیس تشکیلات واقعی کارگری را به عقب می اندازد.

..... حقوقهای ۲۸ تومانی
 —————

گزارشی از کارخانه سیمان مشهد

کارخانه سیمان مشهد با ۵۳۰ کارگر در ۲۲ کیلومتری جاده مشهد قرار دارد.

این کارخانه توسط خا رجیان حدود ۳۰ سال قبل نصب شده است. قبل از انقلاب بهره برداری و تعمیرات به کمک خا رجیان انجام میگرفت که هم اکنون تمام کارها بوسیله ایرانیها انجام میشود. تولید کارخانه ساعتی ۲۰۰ تن میباشد. مواد اولیه کارخانه از معدنی که وابسته به کارخانه است تا مین میگردد. کارگران معدن ۲ شیفت و کارگران کارخانه سه شیفت کار میکنند. حقوق کارگران بعد از انقلاب ۳۰ درصد و حقوق کارمندان ۴۵ درصد افزایش یافته است. ولی هنوز حداقل حقوق کارگران ۲۸۰ ریال است. کارگران نسبت به اجراء شدن بخشنامه حداقل حقوق وزارت کار اعتراض دارند و تاکنون نیز در این مورد هیچ اقدامی نشده است. کارگران نسبت به هزینه مسکن و طرح طبقه بندی مشاغل نیز معترضند و عقیده دارند سندیکا باید فعال باشد و دنبال خواسته های دوندگی کند.



نمایی از کارخانه سیمان مشهد

- ۳- ایجاد کلاسهای آموزش مسایل ایمنی برای کارگران
- ۴- پرداخت خسارات به کارگران سانحه دیده و بازماندگان کارگر
- ۵- اخذ جراثیم سنگین از کارفرمایان متخلف از مقررات ایمنی



◀ نمایشگاه استقلال صنایع ▶

بر مبنای خواست صاحبان صنایع و دولت، جهت تامین قطعات مورد نیاز صنایع داخلی، نمایشگاهی با شرکت صنایع مونتاژ، صنایع کوچک و بعضی از صنایع بزرگ تشکیل شد که به مدت دو هفته در ماه گذشته در محل دائمی نمایشگاههای بین المللی ادامه داشت.

تأمین و خواست مسئولین واقعی و صنعتگران ملی باعث گرد آمدن ۴۴ صنعت مونتاژ و وابسته و ۱۵۰ صنعت کوچک گشته بود.

در جریان این نمایشگاه بخش خصوصی، ساختن قابل توجهی از قطعات ماشین آلات گوناگون را به عهده گرفت. مثلاً مسئول ماشین سازی اراک با خوشحالی زاید الوصفی میگوید که پس از این تولید داخلی و مستقل کارخانه از ۷۰٪ به ۸۵٪ افزایش میابد که ۱۵٪ آن را بخش خصوصی به عهده میگیرد. از دیگر جنبه های مثبت این نمایشگاه، تماس صنایع مختلف با یکدیگر و آشنایی با امکانات گوناگون در جهت تکمیل نیازهای یکدیگر و رسیدن به خودکفایی ملی بود.

استقبال صنعتگران کوچک از این نمایشگاه فوق العاده بود. زیرا آنها با شرایطی مواجه گشتند که امکان رشد صنعت ملی را پیدا کرده اند. امکاناتی که رژیم طاغوت با تمام قوا از آن جلوگیری مینمود، از جمله موارد جالب توجه، ابتکار جوان مشتاقی بود که با وسایل ارزان، یک ماشین جوجه کشی خودکار ساخته بود که به گفته خودش قیمت تمام شده این ماشین از قیمت مشابه خارجی آن، کمتر و از نظر کیفیت استفاده بهتراست.

قربانی در شهرک اکباتان

اشاره:

در سال جاری طی حوادث مختلف دو تن از کارگران شهرک اکباتان جان خود را از دست داده و چند نفر هم مجروح شده اند. با این ترتیب تعداد قربانیان شهرک در طول چند سال فعالیت آن، بنا به اظهار کارگران از مرز یکصد نفر گذشت. اینان قربانیان شروت اندوزی کسانی هستند که اگر زمانی تارموشی از سر مبارکشان کم شود، صداها برپا خواهند کرد و دکتراها خبر خواهند داد. و اینان که خود را غم نشینند، کارگرانی هستند که از حاصل رنجشان آسمان خراشها ساخته شده. ولی مرگ، ردناکشان بی احتیاطی خواننده میشود. اهمیت مسئله ایمنی در کارگاهها و مراکز تولید با ردیگر خود را نشان میدهد. و هر بار که حادثه ای در این زمینه اتفاق می افتد مسئولیت بزرگ و جدی کارفرمایان، وزارت کار و دولت و عدم رعایت آن بیشتر به چشم میخورد. عدم مسئولیتی که غیر از فدا کردن جان کارگران سبب از هم پاشیدگی بسیاری از خانواده ها شده و با آنها را دچار فقر و تنگدستی کرده و بی سرپرست میسازد.

برای حل مسئله ایمنی در کارگاهها پیشنهادات زیر قابل بررسی است:

- ۱- تشکیل کمیته ای از کارگران و مسئولین فنی در هر واحد تولیدی بمنظور بررسی وسایل ایمنی و پیشگیری از حوادث. زیر نظر تشکیلات کارگران کارگاه
- ۲- رسیدگی دائمی مسئولین وزارت کار به واحدهای تولیدی

برای شرکت فعال در تدوین قانون کار قانون کار موجود را مطالعه کنید، آنرا در جلسات سندیکا با شورای خود به بحث بگذارید و نظرات و پیشنهادات خود را برای ما بفرستید.

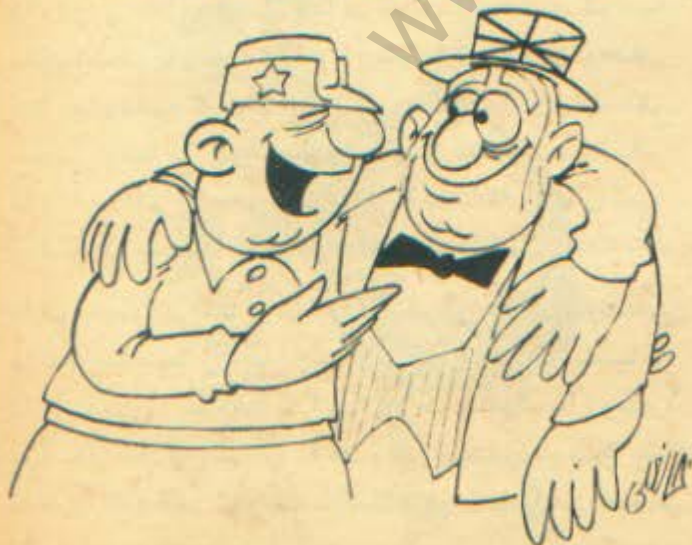
عملا کار دیگری انجام نداد. در این مورد مخصوصا سرپرستهای کارخانه از احساسات مذهبی کارگران و کارمندان سوء استفاده کرده و علیه یکی از اعضای فعال شورا که خیلی هم به نفع کارگران فعالیت میکرد توطئه نموده و بالاخره او را اخراج کردند و شورا را از هم پاشیدند.

بعد از مدتی درست بعد از فوت مرحوم آیت الله طالقانی کارگران با ردیگر مسئله شورا را مطرح کرده و توانستند شورای جدیدی تشکیل دهند که متأسفانه عوامل کارفرما توانسته اند بطور وسیع در این شورای جدید رخنه کرده و چند نفری هم که میخواهند به نفع کارگران کار کنند بشدت تحت فشار قرار میدهند بطوریکه آنها عملا نمیتوانند کاری از پیش ببرند.

در حال حاضر خواسته های زیر برای کارگران مطرح است: اضافه حقوق، اضافه حق مسکن، هزینه ایاب و زهاب و حق خواربار، که برخی از آنها قبلا از طرف کارفرما بطور ناقصی ترمیم شده بود، مانند پرداخت ۲۰٪ اضافه حقوق بحای ۵۰٪ مورد درخواست کارگران و یا پرداخت ۱۵۰۰ ریال حق سکنه بحای ۶۰۰ ریال مورد تقاضای کارگران و به همین ترتیب در مورد خواربار و ایاب و زهاب.



در سفارت آمریکا و مایل خابوسی سبار کت بد



— حالا نمودن تو سفارت ما چه خبره؟! —

نقل از روزنامه انقلاب اسلامی

لزوم بازسازی شورا

گزارشی از کارخانه رنگسازی ایران

این کارخانه که در جاده ساوه واقع است ۲۰۰ کارگر و کارمند دارد. انواع رنگ و چندین نوع روغن تولید میکند که عبارتند از: انواع رنگهای صنعتی - الکیدی - ساختمانی و انواع روغن بزرگ - جلا - الیف و همچنین انواع تینروکلر، مواد اولیه کارخانه از کشورهای سوئد و آلمان تهیه میشود. توضیح اینکه مقداری از این مواد در کشور خودمان بدست می آید. میزان تولید این کارخانه در حال حاضر حدود ۴۰ تن میباشد.

کارگران این کارخانه همواره با بقیه هموطنان خود در انقلاب شرکت کردند. بعنوان مثال چندین بار کارخانه را تعطیل کرده و همراه با کارمندان در نظاهرات شرکت نمودند. کارگران کارخانه در نظاهرات و اعتصابات سیاسی که انجام میدادند خواسته های مربوط به وضع خودشان را هم مطرح میکردند. بعد از پیروزی انقلاب با همت کارگران و چندین از کارمندان شورای شورا تشکیل شد. که بعد از مدتی حدود چند ماه با توطئه کارفرما و عوامل او مانند رئیس امور اداری، نماینده سابق کارخانه و چند تن از کارمندان هم دست کارفرما شورا از هم پاشیده شد. و در مدتی هم که وجود داشت بحزنا سبب کتایب خانه و مسجد

میدانیم که از باده های مهم به سلطه در آوردن کشورهای جهان سوم، بوجود آوردن صنایع وابسته به امپریالیسم است. صنایعی که اساس و پایه آن در کشورهای گوناگون است، صنایعی که با یک تلنگر از هم می پاشد و باعث بیکاری و فقر روز افزون اقتصادی کشور میشود.

اقدام به برگزاری این نمایشگاه، حرکتی است در جهت رشد ملی و استقلال اقتصادی کشور و جویا بگوشی به خواسته های صنعتگران ملی و صاحبان صنایع کوچک و دادن امکانات لازم به آنها، اقدام مثبتی است که تا حدود زیادی میتواند به کمک کردن بحران بیکاری موجود در جامعه و ایجاد کار برای کارگران و بالا بردن آموزش فنی و تکنیکی کارگران کمک نماید.

چرا تشکیلات سراسری کارگری لازم است؟

اتومبیل با ساجی و با کارگران رشته برق و حمل و نقل و معادن با بدیس از تا سپس تشکیلات اتحادیه‌ای خود، فوراً در فکر وحدت با سایر اتحادیه‌ها باشند تا در نهایت بتوانند کل طبقه کارگر را در سطحی وسیعتر متشکل کرده و بعنوان یک طبقه در جهت منافع عمومی کارگران مبارزه کنند.

این تشکیلات سراسری که کنفدراسیون نامیده می‌شود از وحدت و ادغام اتحادیه‌های کارگری بوجود می‌آید. توضیح اینکه اتحادیه‌ها خود، از وحدت و ادغام سندیکا‌های مشابه درست میشوند.

مزیت این تشکیلات وسیع آن است که از تفرقه و پراکندگی تشکیلات کوچکتر نظیر سندیکا‌های حرفه‌ای جلوگیری کرده و آنها را بعنوان یک طبقه متشکل در مقابل تشکیلات سرمایه‌داران، قدرتمندتر میکند. این نوع تشکیلات سراسری و طبقاتی ضمن برآورده کردن منافع کارگران بر حسب حرفه و تخصص یا صنف، منافع عالی‌تری یعنی منافع عموم کارگران را هم تأمین می‌کند.

چند تجربه:

در کشورهای مختلف جهان سابقه کار اتحادیه‌ها و کنفدراسیون‌ها که میلیونها کارگر را در خود متشکل کرده‌اند، بسیار طولانی است. انواع سالم این تشکلات بزرگ توانسته‌اند مبارزه وسیع و طولانی حقوق اجتماعی کارگران و رفاه آنان را تا حدود زیادی بهبود بخشند. اتحادیه‌های بزرگ کارگری توانسته‌اند نقش مهمی در زندگی سیاسی و اجتماعی کشور خود ایفا نمایند. به عنوان مثال اخیراً "شمنده" شد که در کودتای اخیر کشور بولیوی، اتحادیه‌های کارگری در مخالفت و مبارزه سیاسی علیه کودتاگران نقش فعالی داشته‌اند.

بمنظور آشنایی دقیقتر کارگران از شماره‌های آینده بتدریج به معرفی اتحادیه‌های کارگری ممالک مختلف خواهیم پرداخت، تا کارگران وطنمان قادر باشند با درس گرفتن از تجارب مثبت و منفی آنان راه خود را هر چه صحیح‌تر ادامه دهند.

آنچه امروز برای کارگران ایران صورت یک خواست مهم و اساسی مطرح شده، وحدت کارگران ایران است. این خواست اساسی نمی‌تواند عملی شود مگر از طریق یک تشکیلات واحد و سراسری کارگری. تشکیلات واحدی که بتواند با تکیه به نیروی چند ملیتی کارگران ایران از خواسته‌های عمومی و کلی نظیر شرکت در تهیه و تدوین قانون کار، داشتن حق در تعیین سیاست عمومی مملکت، تعیین سطح دستمزدها و ضوابط افزایش آن و با دخالت در تعیین قوانین مالیاتی به نفع کارگران و سایر مسائل عمومی و طبقاتی بهره‌مند شود.

حقوق صنفی و طبقاتی چرا؟

کارگران با اینکه یک طبقه را با منافع مشخص خود تشکیل می‌دهند، بعلاوه داشتن حرفه‌ها و تخصص‌های مختلف و بر حسب اشتغال در واحدهای متفاوت تولیدی خواسته‌های صنفی و حرفه‌ای جداگانه‌ای نیز دارند. برای مثال کارگران نجار با کارگران حمل و نقل و با کارگران کشاورزی با کارگران برق-کار ضمن اینکه همگی کارگرند در حوزه فعالیت صنفی و حرفه خود مشکلات و مسائلی خاص دارند. بنا بر این در صورت ایجاد سندیکا‌های صنفی مانند سندیکای کارگران مکانیک یا کفاش ممکن است این گونه تشکیلات در جا رجوع دفاع از منافع حرفه‌ای و صنفی خود محدود گردند. لذا، با توجه به بسیاری از مسائل عمومی و حیاتی که از محدوده عمل تشکیلات یک کارگاه خارج است، لازم می‌آید تا کارگران پس از تشکیل سندیکا‌های خود اقدام به تشکیل اتحادیه‌ها کرده و برای مثال تمام کارگران یک رشته صنعتی مانند ساختمان اعم از نجار، بنا، کارگر ساده ساختمانی، سیم‌کش، آهنگر، موزائیک‌ساز و غیره در اتحادیه کارگران ساختمانی متشکل شوند تا قادر باشند ضمن تقویت تشکیلات خود از منافع عمومی و اساسی خود نیز دفاع کرده و برای آن مبارزه کنند.

همچنین کارگران رشته‌های صنعتی دیگر نظیر صنعت

مناظره دو قطره خون



شنیده اید میا ، دو قطره خون چه گذشت
 که مناظره ، یک روز بر سر گذری
 یکی بگفت بآن دیگری ، تو خون گدای
 من او فتاده ام اینجا ، زدست ناحوری
 بگفت ، من بچکیدم زیبای خارکنی
 ز رنج خار ، که رفتش بیا جونشتری
 جواب داد بزیک چشمه با هر دو چه غم
 چکیده اسم اگر هر یک از تن دیگری
 هزار قطره خون در پیاله بگردانید
 تفتان و ترگ و شرابان نمیکنداشتری
 ز ما دو قطره کوچک چکا خواهد خاست
 بیاشویم یکی قطره بزرگشتری
 برای سعی و عمل ، با هم تفتاق کنیم
 که ایمنند چنین رهروان زهر خطرتری
 در او فتمیم ز رودی میان دریائی
 گذرکنیم ز سرچشمه ای بجوی و حری
 بخته گفت : میان من و تو فرق سیاست
 تو شی زدست شهبی ، مزبای کارگری
 برای همری و اتحاد با جومنی
 خوش است اشک بنیمی و خون رنجشتری
 تو از فراغ دل و عشرت آمدی بوجود
 من از خمیدن پشتی و زحمت کمتری
 ترا سبطخ شه ، بخته شده همیشه طعام
 مرا با تشاهی و آب چشم شتری
 تو از فروغ می ناب ، سرخ رنگ شدی
 من از تکوین خاری و سوزش جگری
 مرا بملک حقیقت ، هزار کس بخرد
 چرا که در دل کان دلی ، شدم گهبری
 قضا و حادثه نقش من از میان نبرد
 کدام قطره خون را بود چنین هنری
 درین علامت خونین ، نهان بود در ریاست
 ز ساحل همه ، بیداست کشتی ظفیری
 ز قید بندگی ، این بستگان شوند آزاد
 اگر بشوقدهائی ، زنند بال و پیری

بسیم و بیزن ، اینقدر خون دل نخورند
 اگر بخانه غارتگری فتند شوری
 حکمنا حق هر سقله ، خلق را نکشند
 اگر ز قتل پدر ، بپرسی کند بپری
 در خجور و ستم ، هیچ بر گویند انداشت
 اگر که دست محارفات ، مردش شوری
 سپهر بپیر ، نمیدوخت جامه بیداد
 اگر نبود ز صبر و سکوتش آستشوری
 اگر که بدمنشی را ، کشند بر سردار
 بجای و ننشینند ، بزور از او بتری
 بروین اعتمای

من کارگرم

من کارگرم
 کارگر چاپخانه
 مردی از تبار سرب
 وارث هابیل
 با دستانی سیاه و سفید
 همراه ماشین چاپخانه ،
 آواز میخوانم ،
 من حروفچینم
 می نویسم : بهار
 می نویسم : رویا
 می نویسم : بازار
 می نویسم : خدا
 می نویسم : تفنگ .

من کارگرم
 کارگر چاپخانه
 با روزی ده ساعت کار
 مردی از میان غبار سرب و تاریکی
 با دستهای سیاه و سفید
 همراه صدای کاغذها
 سرود میخوانم ،
 من «حروف» میچینم
 می نویسم : بهار
 می نویسم : کار
 می نویسم : سرمایه
 در کلاس شبانه به ما جهاد می آموزند .

من کارگرم
 کارگر چاپخانه
 و روحم درون کتابهاست ،
 من فریاد میکشم ، داد میزنم
 و برای کارگران آواز میخوانم ؛
 بنویسد : خدا ، عشق
 لاله سرخ ، تفنگ
 من حروف میچینم
 از جنس گلوله از سرب .

کارفرما: نماینده‌های خیریم!

تومان و مزایا را قطع کرده و اسمش را گذاشته که حقوق تا ۲۰۰ تومان اضافه شده، در حالی که فقط ۳۰ تومان بحقوق ما اضافه کرده. صفر می گفت: وضع ما امیدوارکننده تر شده است، چون قبلاً با هم متحد نبودیم ولی مدتی است با هم متحد شده ایم و نماینده از بین خودمان انتخاب کرده ایم. کارفرما و یارانش سعی می کنند بین ما تفرقه بیندازند، مثلاً سعی کردند کارگران را جمع کنند و وعده و وعیدهای توخالی به کارگران بدهند. ما به کارگران گفتیم که جمع نشوند و فقط نمایندگانشان صحبت کنند. کارفرما می دید کارش خراب شده، می گفت: آدم زنده و کیل ووصی نمی خواد، مگر شما شده اید قسیم کارگران؟



جمعی از کارگران مرغداری طوس

کارفرما با کمال بی شرمی می گفت: نماینده شما هرکس باشد ما می خریمش آقا، ما نماینده را نمی خریم، حتی اگر پسر بیغمبر باشد! و می گفت در خیلی از شرکتها بسته شده، که یکی از کارگران در جوابش گفت: ولی بعد دیدیم که چه کسی آن را باز کرده و تویش کار می کنه! تومی خواهی ما را بیرون کنی؟ مواظب باش که خودتو از اینجا بیرون نیا ندازیم! ←

"نماینده شما هرکس باشد ما می خریمش حتی اگر پسر بیغمبر باشد."

این را کارفرمای مرغداری طوس گفته است. شرکت مرغداری طوس در ۴۲ کیلومتری حاده قوجان - مشهد قرار دارد.

کارگران این موسسه از هیچ نوع بهداشتی در محیط کار برخوردار نیستند. هیچ کدام بیمه نشده اند. و از مزایای قانونی که به کارگران رفته. های دیگر منابع تعلق میگوید، برخوردار نمی باشند. از کارگری بنا م محمد قدیمی می پرسیم شرایط کار چگونه است؟

میگوید: آقا ما توی فاصله مرغ زندگی میکنیم و در زمستان هم توی گاز بخاری که از تن مرغها بلند میشه که وقتی آدم وارد سالن میشه بخار چشمهای آدم را می سوزاند. توی هوای سرد با بد فطره مرغها را که زلجن بدتر است، توی گونی بکنیم و بسیریم بیرون و با اینکه این نرده های جویی را که بر از فطره است بشوریم. هیچکس به فکر ما نبوده. روزی ۱۰ ساعت کار می کنیم، وقتی می رویم خانه دیگر نای بلند شدن نداریم. یکی دیگر از کارگران می - گفت: سه سال است اینجا کار می کنم و با مواز همی - سنگ سفید نتوانستیم بیرون بگذاریم اینجاست زندان است.

یکی دیگر از کارگران به اسم صفر می گفت: ما اینجا هیچ غذای خوب نمی خوریم، گوشت گیرمان نمی آید، ولی با مبارزه ای که کردیم توانستیم هفته ای یک کیلو گوشت مرغ یا پول آنرا برای هر - خانوار از کارفرما بگیریم. صفر در ادامه حرفش گفت: حقوق من ۱۱۵۰ تومان بود. ۱۰۰ تومان هم نگه می - داشتند که آخر سال بعنوان پاداش میدادند. حقوق ما در اصل همان ۱۲۵۰ تومان می شود. و در ماه ۵۶ تومان هم پول مزایای گوشت داشتیم و حدود ما می ۱۴ تومان هم پول تخم مرغ، اگر حساب کنیم می شود: ۱۳۲۰ تومان بعداً "این آقا مدحقوق ما را کرده ۱۳۵۰

بزنم، خودشان آمدند و اول نگاه نوشتند و آن انداختند و بعد یکی یکی هم مجله و هم جزوه را از دستم گرفتند و شروع به نگاه کردن و ورق زدن آنها کردند. بعد همه آنها با هم من گفتند که کدام کنفدراسیون، ما این کنفدراسیون را قبول نداریم و همچنین برجست می زدند که این کنفدراسیون از بالا درست شده و فرمایشی است و داریوش فروهر آنرا درست کرده. ما هم به آنها می گفتیم که اولاً "فرمایشی که نیست هیچ، حتی یک ریال هم دولت و با وزارت کار به آن کمک نکرده. آنها حرف ما را قبول نمی کردند. ما به آنها می گفتیم شما به چه دلیلی این حرفها را در مورد کنفدراسیون می زنید، آیا مدرک یا سندی دارید. اکثر آنها از آنجا شکی با هم حرفهایشان را با ما می زدند و شلوغ می کردند. مجال حرف زدن شما نمیدادند و میگفتند: اصولاً ما وزارت کار را قبول نداریم و چون وزارت کار آنرا برسمیت شناخته به همین دلیل واقعی نیست و مال داریوش فروهر است. از آنها پرسیدیم از نظر شما واقعی چطور است و چگونه بوجود می آید وجه مشخصاتی باید داشته باشد؟ آنها با سروصدای زیاد هر کدا مشان چیزی میگفتند و اضافه می کردند: چنانچه وزارت کار آنرا برسمیت نمی شناخت و غیر قانونی فعالیت می کرد، آنوقت واقعی بود.

در مورد این تشکیلات بدتیبست بدانید:
 "سندیکای کارگران پروژه های" در اوایل کارشان، با سروصدای زیادی که راه انداختند، عده ای دور خودشان جمع کردند، اما از آنجا شکی ایدئولوژی قشری و گروهی خودشان را بر اعضایشان تحمیل می کردند، و بدینال مسائل سندیکایی نبودند، خط ضد دولتی و ضد دینی را تبلیغ میکردند، از هم متلاشی شده و اکثراً اعضایشان از آنها و آنها رانده شده اند. تعداد خیلی کمی مانده اند که آنها هم ناراضی ترا شدند و در حال حاضر متلاشی شده اند و با آن شیوهی عمل و خط غلطشان، باز هم متلاشی تر خواهند شد.

نتیجه تحمیل مراسم پرسندیکا

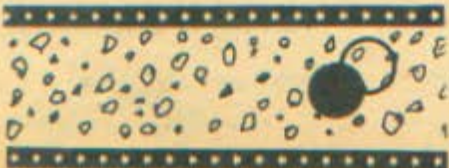
گزارش زیر که از آبادان برای ما فرستاده شده به خوبی نشان میدهد که چگونه دخالت، دادن مراسم و مسلک و ایدئولوژی در کار سندیکائی باعث از هم پاشیده شدن تشکیلات صنفی - سیاسی کارگران میشود و در صفوف آنان اتحاد تفرقه مینماید.

یکی از روزهای ماه گذشته بخاطر بخش اعلامیه میان کارگران کارگاه های جوشکاری و دروپنجره ساز آبادان و دعوت از آنها به جلسه گرد همایی جهت بحث و تبادل نظر در مورد تشکیلات سندیکائی خود به آنها رفتیم. در ضمن مجله "کارگران ایران" و جزوه "یک سند تاریخی" هم همراه همان بود که به کارگران بفروشیم.

بعد از بخش آنها، ۲۰ دقیقه به ساعت ۷ بعد از ظهر مانده بود که در مسیر برگشتن به خانه، جلوسه اصطلاح "سندیکای کارگران پروژه های (سکاران)" رسیدیم.

ما (دونفر بودیم) بداخل رفتیم، عده ای (تقریباً "۵۰،۴۰ نفر) در آنجا جمع بودند و با صدای بلند بحث می کردند. ما هم کنار آنها ایستادیم و به بحث آنها که بطور کلی محتوای ضد دولتی داشت حدود ۲۰ دقیقه ای گوش دادیم. من تعدادی مجله "کارگران ایران" شماره ۳ و تعدادی هم جزوه "یک سند تاریخی" گزارش کنگره را در دستم گرفتم که به آنها بفروشم. بدون اینکه در مورد فروش آنها حرفی

یکی از کارگرها گفت: گذشت دوره ای که ما نمی توانستیم حرف بزنیم و شما هم توی سرمان میزدید حالا ما مخمینی گفته: اداره ماور این زمین باید بدست ما باشد، توجه می گویی؟ صفر می گفت: کارفرما و با رانش حالا فهمیده اند که بسادگی نمی توانند حریف کارگران مبارز بشوند.



پاکسازی کارخانه

گزارشی از توشیهای رشت

کارگران قسمت پرس کارخانه توشیهای رشت برده‌ای به دیوار نصب کردند و تا ۱۳ نفر را اعلام نمودند. این اقدام چند هفته قبل بدستال صحت‌های کارکنان کارخانه در پاکسازی انجام گرفت اما چون با مطالعه کافی همراه نبود حوادثی را به همراه داشت که در گزارش زیر می‌آید:

ایراد کارکنان کارگران این بود که این اسامی را گروه بندی نکرده بودند و همه این ۱۳ نفر را بدون اینکه در سطوح مختلف دسته بندی کنند، در یک سطح قرار داده بودند. چون تا ۳ نفر از مهندسين نیز جزء لیست بود، از فردای آنروز کلیه مهندسين و مسئولان اجرایی بعنوان اعتراض نسبت با این عمل کارگران دست از کار کشیدند و کارخانه را ترک کردند و خواستار مجازات مسببین اینکار شدند. کارگران از هما شروع با وحدت و پشتکار هر چه تمامتر، شروع به افزایش تولید کردند. تلاش و وحدت کارگران واقعا بیسابقه بود. کارگران با ردیگر ثابت کردند که میتوانند با اتحاد و تلاش خود، بر تمام موانع پیروز شوند.

در بعضی از قسمت‌ها سطح تولید بعدی بالا بود که خط هوایی انتقال قطعات از قسمتی به قسمت دیگر داشما مشغول بکار بود و کارگران ما زاد تولیدشان را خود در آغوش گرفته و بطرف قسمت مونتاژ می‌دویدند و قطعات را تحویل میدادند روحیه ما بی نظیر بود. با وجودیکه مهندسين و مسئولان اجرایی درست روز پرداخت حقوق، کارخانه را

که بعد از انقلاب، چهره واقعی انقلاب را در کارخانه ببینیم. این وظیفه ما است که بیروان راستین اما خمینی با شیم و با تعدیات و تبعیضات مبارزه کنیم. ما خواستار این هستیم که دولت، قانوناً حقوقهای بین ۱۵ هزار تومان را لغو کند. وگرنه ما میدانیم که سطح تکنیک این کارخانه بسیار بالاست و ما به مهندسين احتیاج داریم.

ما میدانیم که باید به کمک مهندسين تلاش کنیم تا بتوانیم تکنیک این کارخانه را از وابستگی به ژاپن بیرون بیاوریم. ما میدانیم که باید با اتحاد با مهندسين، دست کشورهای غارتگر خارجی را از کشورمان کوتاه کنیم و روی پای خودمان بایستیم. ما مخالف مهندسين جماعت نیستیم و همه مهندسان را طاغوتی نمی‌دانیم. بلکه تبعیضات درون کارخانه را طاغوتی میدانیم. و کسانی را که از این قوانین ضد کارگری و تبعیضات دفاع میکنند چه مهندس و چه کارگر، طاغوتی میدانیم. خواسته ما بحق و منطقی است. در رژیم طاغوتی که قوانین ضد کارگری پیدا می‌شود، مهندسين و سرپرستان نسبت به ما کارگران امتیازاتی داشتند. حالا که رژیم طاغوت سرنگون شده، میبایست این قوانین ضد کارگری و تبعیضات نیز از بین برود.

با لایحه پس از تشکیل جلسه مشترکی از طرف شورا و مهندسين و ریاست کارخانه، قطعنامه مشترکی صادر شد، در این قطعنامه اگرچه تمام خواسته‌های کارگران به تحقق

ترک کرده شدند و ممکن بود پرداخت حقوق چند روز به عقب بیفتد، اما کارگران میگفتند مهم نیست. آنها بی که ممکنست فکر نکنند ما بخاطر حقوق نگرفتن کارخانه را می‌خواهیم یا نمی‌خواهیم. ما حاضریم بدون حقوق هم کار کنیم. جالب اینجاست که کارگرانی که در ماههای قبلی اگر حقوقشان دیر میشد، فوراً جمع میشدند و اعتراض میکردند، در جنبش موقعیتی به قسمت حسابداری قدم هم نگذاشتند. آنها در این روزها مظهر تلاش و یکپارچگی بودند. علت داشتن چنین روحیه‌ای هم این بود که کارگران میگفتند چرا مهندسين اعتماد کرده‌اند؟ اگر ما اشتباه کرده ایم و اسامی را بطوری نوشته ایم که به بعضی از آنها توهین شده، چرا نباید مدد و اشتباه ما را گوشزد نکردند؟ چرا دستجمعی کارخانه را ترک کردند مگر به ما که در تمام مدت این ده سال که در کارخانه کار میکردیم و عرق می‌ریختیم، کم توهین شده بود؟ مگر ما آدم نبودیم که اینطور به ما توهین میکردند و تحقیر میشدیم؟

ما اکنون قصد انتقام نگرفتن نداریم، بلکه خواستار این هستیم

اتحاد کارگران چاپخانه‌های رشت

آنجا شیکه دستم برسد خدمت می‌کنم. با آنکه فعلا "رسمیت ندارم".

در همین جلسه، یکی از کارگران پیشنهاد کرد که "کارگران با روپهم گذاشتن پول و کمک گرفتن از دولت، چاپخانه‌ای درست کنند که دولت هم نظارت داشته باشد و در مقابل کارهای چاپی دولتی به این چاپخانه واگذار شود. مثلاً "جاب کتابهای درسی مدارس این منطقه به این چاپخانه داده شود. یا چاپ کاغذهای ما رکدار ادرات دولتی که معمولاً

بقیه در صفحه ۱۹

اخراجی، از استخدام کارگر جدید جلوگیری کنند.

در این جلسه همچنین سرالسوم هرچه بیشتر اتحاد کارگران اشاره شد و گفته شد که کارگران با بسند نمایندگان دلسوز و واقعی را از بین خود، انتخاب کنند تا آنها با کارفرمایان صحبت کنند و مسائل و مشکلات کارگران را به کمک خود آنها حل کنند.

کارگرد دیگری گفت: "من تعهد دارم که به خلق الله خدمت کنم و تا

"کارگران همه چاپخانه‌ها باید با اتحاد و یکپارچگی تمام در مقابل دسائیس چاپخانه‌داران پافشاری کنند. این فقط کارگران هستند که باید همه دیگر را داشته باشند و با حفظ حقوق همه دیگر فریب کارفرما-بان را نخورند."

این گفته یکی از کارگران شرکت کننده در جلسه مشترک کارگران چاپخانه‌های رشت بود. وی ضمن طرح مشکل کارگران اخراجی و بیگار چاپخانه‌ها از توطئه یکی از کارفرمایان صحبت کرد و گفت: "ملکزاده یکی از چاپخانه‌داران دونه‌فراز کارگران خود را اخراج می‌کند و آنها هم تسویه حساب می‌نمایند و سپس اقدام به استخدام یک حرفه‌چین جدید می‌کنند که این کار با مخالفت شدید کارگران روبرو می‌شود. بطوریکه کارگران یک گروه ضربت ۳ نفری درست می‌کنند تا کارگران اخراجی را به سرکار برگردانند. و تا برنگشتن کارگران

کنگره چهارم اتحادیه سازمان گسترش

چهارمین کنگره "اتحادیه شوراهای انقلابی اسلامی سازمان گسترش" پس از ۵ روز به کار خود پایان داد. در این کنگره گزارش کارکرد دوره ۶ ماهه گذشته اتحادیه داده شد و پیامهای رسیده قرائت گردید. کنگره یکبار مجدداً با نشوینان پیرو خط امام در رابطه با اشغال سفارت آمریکا پشتیبانی کرد و خواهان عدم هرگونه وابستگی به کشورهای امپریالیستی شد. در بحث آزادان کنگره معبود مزددهی نماینده جوکای رشت اعلام انحلال یکجانبه شورای این کارخانه را توسط مقامات مسئول گیلان و مدیریت جوکا شدیداً محکوم نمود و خواهان بررسی آن توسط اتحادیه گردید. هیئت موسس کنفدراسیون کارگران ایران موفقیت این اتحادیه را صمیمانه تبریک می‌گوید.

سیستم طاغوتی، عمدتاً افزایش تولید است. کارگران باید گرفتند که اکنون در مرحله سازندگی انقلاب برای رسیدن به خواسته‌های بحق خودشان، می‌بایست تولید را بالا ببرند و به دولت نشان دهند که خواسته‌ساز بهبود وضع اقتصاد کشور و حفظ استقلال مملکت هستند و متقابلاً دولت نیز موظف است که به خواسته‌های منطقی‌شان رسیدگی کند.

بیوشند. اخراج کلیه افراد بر پایه ضوابط و مدارک باشد. کلیه افراد بدون دخالت دادن عقاید سیاسی، در جهت پیشبرد امر تولید، همکاری صمیمانه داشته باشند، هرگونه مزایای خارج از لیست حذف شود.

درسی که کارگران از این مبارزه گرفتند اینست که برخلاف زمان طاغوت که راه مبارزه از طریق اعتصاب و خواباندن تولید و ضربه زدن به رژیم طاغوتی بود، اکنون راه مبارزه با بقایای

نهبوست، اما کارگران توانستند به قسمتی از خواسته‌های مهم خود برسند. از مهمترین مواد این قطعنامه این بود که قرار شد از این پس، آئین نامه انضباطی در مورد کلیه کارکنان پیاده شود. کلیه کارکنان کارت ساعت بزنند، ورود و خروج همه افراد کنترل شود و تبعیضاتی که در مورد خروج آزادانه بعضی افراد وجود داشت از بین برود. مقررات مربوط به مرخصی و غیبت در مورد همه افراد به یکسان باشد. همه روپوش کار



داستان کوتاه خشم کارگری

جمع شدند، فوراً برق را قطع کردند، حسن آقا خیلی وحشت کرده بود و هول شده بود و از دستباجی نمیدانست چکار باید کند. بقیه هم ناشی بودند. رنگ همه پریده بود. حسن آقا بیشتر از همه نگران بود، چون خودش را مسئول این واقعه میدانست.

بالاخره یکی از کارگران قدیمی که تجربه‌ای در این کار داشت، دستهای سرفکار را که طاق باز افتاده بود با حرکت‌های متناسب و با نرمی به حرکت درآورد تا قلیش بسکار بیافتد و چندین بار این کار را کرد و بعد دهانش را در دهان او گذاشت و با دمیدن به او تنفس مصنوعی داد.

در همین موقع کارفرما با عصانیت وارد شد و بدون توجه بوضع کارگری که در حال مردن بود، شروع به داد و پندار کرد که کارگران کجایند که چه خبره، برید سر کارتان، بعد سر حسن آقا داد کشید که: کسی میخواهد این اسکله‌ها را تصوم کنی؟ فقط بلدی معرکه بگیری؟ حسن آقا با تمام وجودش نگران بود و خودش را مسئول این اتفاق

میدانست و سخت بریشان و عصانیت بود. این رفتار و حرف‌های کارفرما در یک جنبش وضعی که اصلاً کوچکترین توجهی بآن کارگر بدبخت نمی‌کرد و مثل اینکه اصلاً اتفاقی نیفتاده و حتی در حالیکه یک کارگر خودش و استثمای کارگران و درآمد بیشتر بود.

حسن آقا دیگر منفجر شد، خون توی چشمهایش جمع شده بود و درگ-

ولی در همین موقع جوانکی کلید اصلی برق را خاموش کرد، سرفکار تازه واردی بود که روز اولش بود و آزمایشی کار میکرد که چنانچه کارفرما از کارش راضی بود استخدامش کند، کلید را قطع کرد که کابل‌های یک دستگاه دیسک (دستگاه برش آهن) جدید را وصل کند، حسن آقا ناچار خودش را بکار دیگری مشغول کرد و شروع به تنظیم با به دوم اسکله کرد تا کار سرفکار تمام شود.

نیم ساعتی طول کشید که کار سرفکار تمام شد و کلید اصلی را خودش دوباره روشن کرد و وقتی از کنار حسن آقا رد شد، حسن آقا از او خواست که کابل دستگاه جوش را وصل کند و کابل‌ها را وز داشت و بدست سرفکار داد ولی سرفکار چون تازه وارد بود، شاید به علت دلهره و هواس‌پرستی، سرلختی که کابل‌ها را بدست گرفت که ناگهان بیک طرف پرت شد و از حال رفت. همه کارگران سراسیمه دورش

حسن آقا با به‌های یک اسکله بزرگ ساختمان را که از تیر آهن ۶ اینچ بود بدقت میزان کرده بود، زاویه‌ها را گونیا کرده بود و خوشکار رو در دستش گفت که آنهارا تک‌خال بزند. دو طرف پایه و راس اسکله را تک‌خال زدند و بعد محض اطمینان یکبار با متر و گونیا اندازه‌ها و زاویه‌ها را کنترل کردند و چون اشکالی نداشت، وارد دستش مشغول جوشکاری شد.

ولی هنوز جوشکاری یک طرف به نصفه نرسیده بود که برق رفت، حسن آقا نگاه کرد دید کابل برق دستگاه جوش قطع شده، روزی چند بار این اتفاق می‌افتاد.

کارگاه بزرگی بود و چندین دستگاه جوش کهنه و قراضه داشت، کابل و سیم‌ها پوسیده و پارچه پوره بودند و همین‌طور کف کارگاه و لوله بودند و تکه‌تکه به تکه با لنت و پلاستیک وصله‌بینه شده بودند.

دائماً خطر برق کارگران را تهدید میکرد، دوسه دفعه هم بچه‌ها را برق گرفته بود ولی کارفرما توجهی نداشت و حاضر نبود برای عوض کردن کابل‌ها و دستگاه‌ها چیزی خرج کند و کارگران مجبور بودند خودشان دائم سیم‌ها را وصله‌بینه کنند و دستگاه‌ها را به‌ر شکلی شده کار بیاورند.

حسن آقا این دفعه هم با فشار چند فحش به کارفرما به طرف دستگاه جوش رفت که کابل‌ها را وصل کند،





برای زخمکشان کار از کودکی شروع میشود

شده اند. همچنین گفت که مدیر سابق روزنامه بازاری که مدت ۱۱ سال با ساواک همکاری داشته، بعد از انقلاب با رأی دادگناه انقلاب به مدت ۳ سال به پهبان تبعید شده است. اداره این چاپخانه به شوروا گذار شد ولی چون شوروا نتوانست وظایف مربوطه را انجام دهد، چاپخانه تعطیل شده و کارگران آن بیکار شدند. این روزنامه در سال گذشته فقط ۱/۵۰۰/۰۰۰ تومان از اعلانات، درآمد داشته است که هیچ سهمی از آن عاید کارگران نشده است. این جلسه با حضور ۱۷ کارگر چاپخانه در محل خانه کاررشت برگزار شد که صورت جلسه آن در شماره قبل به چاپ رسید.



● مقاله اتحاد کارگران

سالانه برای هر اداره حدود ۲۰۰۰۰ تومان خرج برمی دارد، بعینده این چاپخانه گذاشته شود، تا ضمن انجام کار از زردبوشه‌هایی که در گذشته ما بین چاپخانه داران و کارپردازان انجام می شد، جلوگیری شود. مثلاً "دره ووران طاغوت کاغذهای ۱۰ گرمی را به جای کاغذهای ۱۰ گرمی حساب می کردند و به این ترتیب مبلغ زیادی از بیت المال غارت می شد."

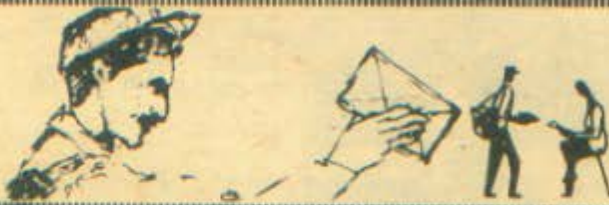
سیس کمبودهای اساسی اساسنامه پیشنهادی کارگران چاپخانه‌ها منجمله حق اعتصاب و تحمّن کارگران، مورد بحث و بررسی قرار گرفت.

کارگردیگری آماری از کارگران اخراجی چاپخانه‌ها داد و گفت که در حال حاضر ۹ نفر از چاپخانه بازار رشت، ۶ نفر از چاپخانه اسلامی، ۱ نفر از چاپ نو، ۶ نفر از چاپخانه صومعه سرا اخراج

ها بش برآمده بود. جای معطلی نبود، قطعه آهن سزرگی را که جلوی بایش بود برداشت و با ضرب بصورت کار فرما بپرت کرد. و بعد مجالش نداد و مثل پلنگی زخم خورد و با حمله کرد و گلویش را در بنجه‌ها بش گرفت و با تمام قدرت فشار داد.

نفس کار فرما سندا آمده بود و رنگش سیاه شده بود. وحشت از چشمهایش می بارید، کارگسوان دیگر سراسیمه ریختند و با تلاش فراوان کار فرما را از جنگ حسن آقا در آورند و خودشان شروع به زدن کردند، خونین و مالمیش کردند، آنقدر زدند که از حال رفته، در همین موقع کم کم چشمهای کارگر برقکار هم با زشد و یکبار ه بلنسد شدند.

حسن آقا خوشحال شد، خیالش راحت شد ولی هنوز خشمش فرو ننشسته بود، تشنه خون کار فرما بود ولی همکارانش حسابی خدمت کار فرما رسیده بودند، نگاهش کرده دیدم مثل یک لاشه یک افتاده بالاخره کارگران یک تاکسی آوردند و برقکار و کار فرما هر دو را به بیمارستان بردند، تا عصر هر دو حالشان جا آمد و کار فرما، کارگر برقکار را از همانا اخراج کرده بود و خودش بکلانتری رفته بود و همراه یک افسرو چند پاسان بکارخانه آمده بود که کارگران را دستگیر کنند ولی همینکه درما شین را با زگردند و قدم بکارخانه گذاشته ناگهان نقش زمین شد، بعدا "معلوم شد سگته قلبی کرده و کارگران از شرش خلاص شدند.



نامه‌های رسیده

وحشت از اتحاد

یک نامه از آبادان

درود و سلام بر شما هیئت مؤسس کنفدراسیون کارگران ایران و اداره کنندگان مجله کارگران ایران. دست شما را صمیمانه میفشارم و برای شما آرزوی موفقیت بیشتری را دارم. پس از سالها اختناق و غفلت با لاجرم در ایران تشکلات کارگری بوجود آمد و کارگران زحمتکش و رنجور ایران سنگرواقعی خود را بنامند. کارگران ایرانی هنوز آنطور که ما بدو شاهد از اتحاد خود خبر ندارند. هنوز از کارگران ما صاحب کارگاه میترسند. هنوز نمیدانند که اگر در یک کارگاه کوچک که دو نفر کارگر داشته باشند این دو نفر با اتحاد و یک رنگی خود میتوانند در مقابل استعمار کارفرما مبارزه کرده و حق واقعی خود را بدست آورند. کارگران با اطلاع باشند که گاهای رفیع و زندگی محال را فرماها و صاحبان کارخانه‌ها همه از تلاش شبانه روزی کارگران تهیه شده، سرمایه‌داران در گوش کارگران خوانده اند که اگر آنها با شما شد کارگرانی بیگاری و گرسنگی خواهد مرد. در صورتیکه هرگز چنین سوده زیرا سرمایه‌دارانشان تکلیفش به یول است و لی یک کارگر نیروی کار خود را دارد. اگر کارگر سازد سرمایه‌دار از زمین خواهد رفت.

تمام کارفرمایان چه بهترین یا بدترین آنها از اتحاد کارگران وحشت دارند. همینطور از آگاهیه کارگران. همیشه سعی میکنند که ما را از یکدیگر جدا کنند. کارگران را و در کارگاه‌ها یا کارخانه کارگر را با تنی خسته و عصاب داغان به خانه میفرستند یا با مشکلاتی مانند بدهی یا تنگی یا قسط و سایل زندگی آنها را از مطالبه زدا رند و از بی خبری آنها جدا کتر استفاده را بپردازند این روش کشورهای سرمایه‌داری

بوده و خواهد بود. کارفرمایان همیشه سعی میکنند که از اتحاد کارگران جلوگیری کرده و با اینکه یکی از عوامل خود را در دسترس دیگرها، اتحادیه‌ها یا شوراهای بگذارند تا منافع آنها حفظ شود. برای مبارزه با این روش ما کارگران باید از یکدیگر جدا کنیم خود را از یکدیگر. ما فکرها، جوته‌کاران آرایشگرها یا بدست دیگرهای خود را بوجود آورده و از تفرقه در میان خود جلوگیری کنید. و در مقابل اتحادیه و سندیکا‌های ضد کارگری کارفرماها و کارخانه‌داران بزرگ برای حق واقعی خود مبارزه کنید و در مقابل عمال اغلالگر و آشوب طلب که میخواهند انقلاب خلقی و اسلامی ما را از هدف دور و در صفوف انقلاب شکاف ایجاد کنند با استنادی کرده و اگر چنین اشخاصی در محل کار یا سندیکا ها و شوراهای وجود دارند آنها را بیرون کنید.

سروز با دا انقلاب خلقی و اسلامی ایران
به رهبری امام خمینی
برفرار ما دیرجم اتحاد کارگران مبارز
و وطنپرست



آبادان - محمدرسدوس ۱۳۵۸/۸/۵

نامه‌ای از صنایع چوب رشت

نامه‌ای داریم از آقای ناصر محمودی نژاد عضو شورای کارخانه صنایع چوب رشت و عضو هیئت مؤسس کنفدراسیون کارگران ایران، که در زیر قسمتهایی از آن را میآوریم.

ایشان ضمن اشاره به لزوم ایجاد نمایندگی‌های هیئت مؤسس کنفدراسیون در شهرستانها و برشمردن برخی از وظایف این نمایندگیها و هیئت بازرسان پیشنهاد به هیئت دبیران و همچنین مسئولین

قدردانی از نمایندگان

نامهای از کارگران سیمان نکا

دوستان کارگران از کارخانه سیمان نکا دو نامه برای ما فرستاده اند که ما ضمن تشکر بدلیل محدود بودن صفحات مجله یکی از آنها را چاپ میکنیم.

ما کارگران کارخانه سیمان کرگان - مازندران نکا، قسمت آرما تورسندی و قسمتهای دیگر را ر نمایندگان زحمتکش که مدتهاست با جان و دل و صداقت و ایمن برای ما کارگران زحمت کشیده و از هرگونه فداکاری برای ما کارگران در مقابل ظلم و ستم طاغوتیان دریغ نکرده و در مقابل آنها با ایستادگی کردیم و سبکزاریم و آرزوی سلامتی و ایستادگی ایشان را از درگاه بیزدان پاک خواستاریم.

با تقدیم احترامات - کارگران کارخانه سیمان نکا (قسمت آرما تورسندی)
(امضای کارگران)



کوروش صغری
آخرین روزهای یک زندگی سنگین

این نمایندگانها داده اند مبنی بر اینکه از طریق برگزاری جلسات سخنرانی برای کارگران در کارخانه ها هم، لزوم پشتیبانی و عضویت همه کارگران در هیئت موسس کنندگان را روشن ساخت، و هم به روشد دانش سیاسی و آگاهی کارگران کمک کرد تا کارگران بتوانند با آگاهی بیشتر از توطئه های ضد انقلابیون و رخنه آنها در صفوف کارگران که باعث تفرقه و چند دستگی در میان کارگران میشود جلوگیری کنند.



ذغال سنگ زیر آب

نامه زیر را آقای بیزدان لطفی کارگر معدن ذغال سنگ زیر آب فرستاده اند

احتراماً ما اینجانب بیزدان لطفی کارگر شرکت معدن السمر مرکزی با استحضار میرسانم که مرحوم رمضان لطفی (پدر اینجانب) و کارگر سابق همین شرکت در حین انجام وظیفه دچار سانحه ریزش کوه شد که منجر به فوت وی در تاریخ ۵۶/۷/۲۵ گردید.

از طرف مدیر عامل وقت آقای مهندس آرمان طی نامه ای به اینجانب اعلام شد که بر اساس مصوبه ای از طرف شرکت ملی ذوب آهن ایران مقرر گشته است که به کلیه کارگران در مقابل حوادث کاری مبلغ یکمدهزار تومان تحت عنوان خونیها یا هرنام دیگری بپردازند. این مبلغ جدا از بولی است که از طریق بیمه های اجتماعی بعنوان مستمری به بازماندگان متوفی پرداخت میگردد. بر اساس مصوبه فوق مبلغ ۱۵ هزار تومان از ۱۰۰ هزار تومان به اینجانب بپردازند. ولی تا این تاریخ از پرداخت بقیه آن خودداری گشته است. حال یک سوال پیش می آید، اگر مبلغ فوق قانونی نبود چگونه بخشی از آنرا به اینجانب بپردازند و اگر قانونیست پس چرا از پرداخت بقیه آن (۷۵۰۰۰ تومان) خودداری میکنند. استدعا دارم با چاپ این مطلب توجه مقامات مسئول را به این امر جلب نمائید تا ترتیبی دهند که به آن رسیدگی شود.

نمونه‌ای از استعداد ایرانی

در شماره قبل گزارشی داشتیم از اختراعات کارکنان کارخانه پشم شیشه شیراز که به ابتکار خود بسیاری از دستگاه‌های کارخانه را عوض کرده‌اند. علت این اقدام کارشناسی شرکت فرانسوی سازنده کارخانه بوده که بعد از انقلاب برای صدمه زدن به تولید کلبه نقشه‌ها و لوازم‌بدکی حساب این کارخانه را برداشته و به فرانسه فرار کرده‌اند. کارگران و تکنیسین‌های پشم شیشه برای جلوگیری از خوابیدن کارخانه و بستن کارگران بلافاصله دست‌یکار می‌شوند و با یکار انداختن قوه خلاقه و ابتکار خود سیستم‌بسیاری از دستگاه‌ها را عوض می‌کنند بطوری که در موردی از دستگاه‌های اصلی فرانسوی هم پیتر کار می‌کنند و احتیاج به آن لوازم بدکی هم ندارد. در زیر شرح مختصری از یکی از این ابتکارات آورده می‌شود.

آموزش فن و حرفه

سطح درگنا رمخزن آب فرار داده که آنرا **I.C** می‌نامیم این دستگاه با هوا کار می‌کند یعنی جهت تغذیه هوایی معادل **20 Psi** وارد آن می‌شود و بر حسب مقدار سطح مایع در مخزن هوایی بین ۳ تا **15 Psi** خارج می‌شود. این هوارا روی شیر اتوماتیک که آنرا **I.C.V** می‌نامیم وارد می‌کنند. پس با تغییرات هوای خروجی **I.C** شیر **I.C.V** با زوبسته می‌شود.

این شیر را کمالات درست است ولی برای زمانیکه فشار آب همیشه پشت شیر آمده باشد و بسته شدن **I.C.V** به تلمبه یا دستگاه دیگری لطمه نزنند.

در این سیستم لازم است وقتی احتیاج به آب برای مخزن نداریم تلمبه بصورت خودکار خاموش شود. لذا کارخانه سازنده اینطور فکر کرده که اگر یک عدد پرشر یا کلیدی که با کمالات زیاد شدن فشار کارکنند سر راه لوله ورودی آب به تلمبه قرار دهد وقتی آب مخزن به حد کافی رسید شیر **I.C.V** بسته خواهد شد، در نتیجه چون فشار درون لوله که توسط لوله تولید می‌شود راهی جز برگشت ندارد به پرشر سوئیچ فشار می‌آورد و کلید فشاری به تلمبه فرمان خاموش شدن می‌دهد.

ولی عملاً این سیستم قابل قبول نبود. بدلیل اینکه به محض اینکه تلمبه را روشن می‌کردیم مخزن پر می‌شد و شیر **I.C.V** بسته می‌شد و فشار خیلی زیادی وارد پرشر سوئیچ می‌شد و آنرا خراب می‌کرد. البته تلمبه خاموش می‌شد ولی هرگز بصورت اتوماتیک روشن نمی‌شد چون شیو پرشر سوئیچ که از نوع حیوهای هم بود

در قسمت جنرال سرویس وقتی قرار بود دیگ بخار کار کند احتیاج به آب دارد، البته آب سالم و صاف حتی بدون گاز کربنیک، چون وجود گاز کربنیک در آب در دیگ بخار باعث رسوب می‌شود. جهت این موضوع دستگاه دیگری کنار دیگ بخار قرار داده‌اند نام اسموزر، کار این دستگاه صاف کردن و جدا کردن گاز کربنیک از آب و با لایحه ذخیره کردن آب جهت دیگ بخار می‌باشد.

طرز کار دستگاه چنین است آب ورودی توسط تلمبه‌ای که خوابیده است به چند عدد صافی فرستاده می‌شود. پس از صاف شدن به طرف تانک ذخیره خواهد رفت، ولی قبل از اینکه به تانک بریزد وارد مخزن کوچکی که در بالای تانک ذخیره قرار دارد می‌شود. از طرف دیگر در این مسیر بخار وارد می‌کنند. این سیستم بخار طری این است که گاز کربنیک آب گرفته شود. سر راه بخار شیر خودکاری قرار داده‌اند تا زمانیکه فشار بخار در مخزن کوچک کم و زیاد شد این شیر با زوبسته می‌شود. پس بخار بصورت اتوماتیک وارد این دستگاه می‌شود اشکالی هم ایجاد نمی‌کند، ولی اگر مخزن آب از حدی که برایش در نظر گرفته‌اند که معمولاً بنا بدیش از $\frac{1}{3}$ مخزن آب در آن باشد بیشتر شد یا بدستگاه دیگری باشد که بصورت خودکار جلوی آب را بگیرد و یا بالعکس اگر مخزن خالی تر از حد معمول شد لازم است که مجدداً آب وارد مخزن شود.

کارخانه سازنده که فرانسوی است برای این منظور یک عدد دستگاه **level control** کنترل کننده

التمه بدین صورت که وقتی مخزن آب پر شد **P.S.I** حداکثر مقدار یعنی ۱۵ **P.S.I** را میسازد و چون پرش سوئیج روی ۱۵ تنظیم شده به محض اینکه به ۱۵ رسید کلید عمل میکند و تلمبه را از کار می اندازد و بالعکس ، وقتی سطح آب در مخزن پائین آمد ، هوای خروجی **I.C** کم میشود و وقتی مثلا به ۶ **P.S.I** رسید پرش سوئیج به تلمبه فرمان میدهد که روشن شود . در نتیجه سطح آب در مخزن اصلی اسموزر کنترل میشود .

با تغییر پرش سوئیج ظاهرا دیگر احتیاجی به **I.C.V** که همان شیر خودکار باشد نیست .

التمه اینطور بنظر میرسد که فرانسویها این شیر را برای اینکه بخار درون مخزن کوچک برگشت نکند و وارد مافی ها نشود گذاشته بودند که آنهم ثابت شد اگر پرش کنترل با کنترل کننده فشار بخار درست کار نکند هرگز برگشت بخار نخواهیم داشت .

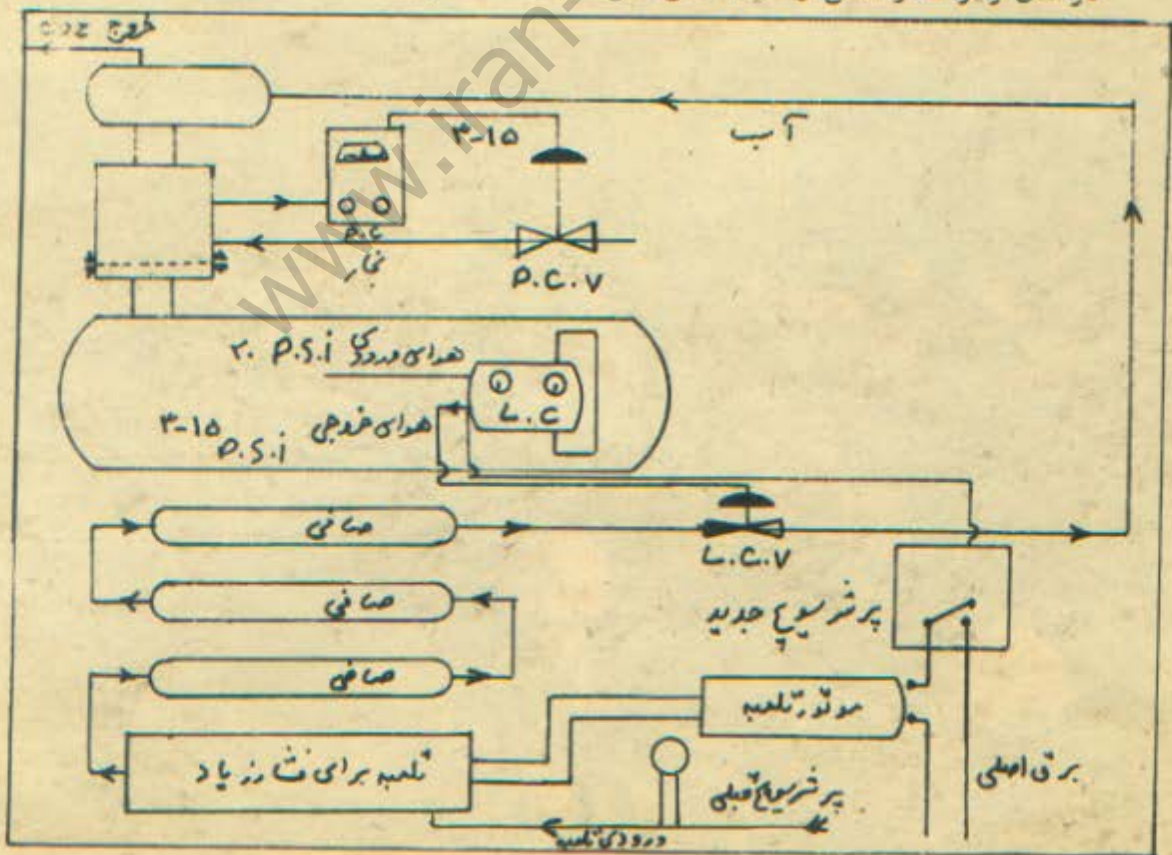
به حالت اولی خود بر نمیگشت . تلمبه ای که در این مسیری کار برده اند برای فشارهای خیلی زیاد است و پرش سوئیج حداکثر مقدار آن ۶۰ **P.S.I** بود .

ما میتوانستیم پرش سوئیج دیگری را در مسیری قرار دهیم که حداکثر مقدارش بیشتر از قبلی و در حدود تلمبه باشد ، ولی اشکال دیگری که در کار بود چنین بود که اگر کوچکترین نشدی در مسیر بود تلمبه مرتب روشن و خاموش میشد و بطور کلی به دستگاه لطمه وارد میکرد .

غلاصه به این نتیجه رسیدیم که اگر پرش سوئیج یا کلید فشاری را از سر راه آب ورودی تلمبه برداریم و به جای آن پرش سوئیج دیگری قرار دهیم و هوای خروجی **I.C** را وارد آن کنیم و آنرا روی ۱۵ **P.S.I** تنظیم کنیم وضع بهتر خواهد شد .

توضیح - ۱۵ **P.S.I** که مخزن پر از آب شده و **I.C** حداکثر هوا را ساخته است . عملا وقتی اینکار را انجام دادیم دستگاه اسموزر بصورت اتوماتیک کار افتاد .

در شکل زیر مدار اصلی و تغییراتی که داده شده نشان داده شده است



راهپیمائی کارگران علیه آمریکا

امام خمینی گفته‌هایی از ایشان را بروی پارچه نوشته و حمل می‌کردند. این شعارها عبارت بودند از:

- ۱- آمریکا از انگلیس بدتر، انگلیس از آمریکا بدتر، شوروی از هر دو بدتر
- ۲- رابطه ما با آمریکا و شوروی مثل رابطه بره با گورگ است
- ۳- اگر برای مبارزه مسلحانه نداریم، سینه و پشت داریم

شرکت فعال کارگران در مبارزه ضد امپریالیستی نشانه روشنی از آگاهی و خواست آنها به تداوم انقلاب است.

شرکت فعال کارگران در مبارزه ضد امپریالیستی نشانه روشنی از آگاهی و خواست آنها به تداوم انقلاب است.



اشغال سفارت آمریکا در تهران، ستاوح گیری مبارزات ضد امپریالیستی مردم کشور ما گشته است. از همان روزیکشنبه ۱۳ آبان، تظاهرات و راهپیمائی‌های زیادی در مقابل لانه حاسوسی آمریکا سرگزار شد که بیان نفرت و خشم بی اندازه مردم از جنایتها و غارتهاى امپریالیسم آمریکا و نوکوشش شاه خائن میباشد. در این تظاهرات گروههای کثیری از کارگران کارخانه‌های مختلف شرکت کردند. منحمله کارگران شرکت حمل و نقل "ایران سرعت" که در مقابل این حاسوس خانه به تظاهرات پرداختند. کارکنان این شرکت با الهام از سخنان رهبران انقلاب



عکس از تظاهرات و راهپیمائی کارگران علیه امپریالیسم آمریکا



عکسی از شرکت‌های هیئت مؤسس کنگره سبازم - بخش خراسان در راهپیمایی وحدت

کره جنوبی

ما ده گذشته در اثر یک حادثه آتش سوزی در یکی از معادن به‌عال سنگ کره جنوبی بیش از صد کارگر در عمق معدن بدام اعتصابند. گروه‌ها مدد موفقی شد زندگی ۸۵ کارگر را نجات دهد و حدود ۱۱ نفر نیز از عمق ۴۰۰ متری از زیر خروارها خاک بیرون کشیده شد. گفته می‌شود از سر نوشت ۲۵ معدنکار دیگر هنوز اطلاعی در دست نیست. در سال جاری این چندمین بار است که برای کارگران معادن چنین اتفاقات دردناکی رخ میدهد.

هند

در سرخوردن کارگران و پلیس در دهلی نو ده نفر کشته و ۱۵۰ تن زخمی شدند. این حادثه در ماه گذشته ضمن تظاهرات کارگران ناساجی در حومه دهلی نو با بی‌تخت هند روی داد. بدنبال این کشتار کلیه اتحادیه‌های کارگری یک روز از ماه گذشته را بعنوان اعتراض، در اعتصاب عمومی سربردند.

اخبار جهان

اسپانیا

به دعوت اتحادیه‌های کارگری ایالت باسک اسپانیا، بخاطر اعتراض به قتل یک کارگر یک روز - اعتصاب عمومی اعلام شد و در نتیجه اتمام داین منطقه فلج گردید. این اعتصاب سراسری تمام کارخانه‌های فولاد، بنادر و وسایل نقلیه را در بر گرفت.

بولیوی

بدنبال کودتای ارتش در بولیوی، اتحادیه‌های کارگری این کشور به علامت اعتراض دست به اعتصاب زدند. و درگیری بین کودتاگران و اتحادیه‌ها همچنان ادامه دارد. از چگونگی رهبری این حرکت اتحادیه‌ای اطلاع دقیقی در دست نیست. اما ظاهراً این است که حکومت تازه بولیوی قادر نیست این حرکت را سرکوب کند و با نا دیده بگیرد.

اخبار کنفدراسیون

(هیئت موسس)

خبری از کرگان

کارخانه شرکت شیر منطقه ای فارس رفتیم بعد از تماس با چند کارگر، آگاهی یافتیم که در این کارخانه شورا و سندیکای کارگری موجود نیست، فعلاً یک شورا موجود بوده است که اعضای آن استعفا داده بودند و بعد از این شورا، کارگران اظهار داشتند که کسی حاضر به کاندید شدن برای انتخابات نیست و همچنین شورا برای کارگران کاری نکرده است. ما چند کارگر به سالن غذاخوری (در موقع غذا خوردن کارگران) رفتیم، در آنجا ماطی سخنرانی در مورد لزوم ایجاد سندیکا و همچنین شورا صحبت کردیم و به سئوالات کارگران پاسخ دادیم و تمام کارگران موافقت نمودند که برای ایجاد سندیکای یک درخواست نامه با امضا همه کارگران برای اداره کار و امور اجتماعی بفرستند. در همین جلسه متن درخواست نامه خوانده شد و کلیه کارگران امضا نمودند. و ما هم اکنون در تدارک مجمع عمومی برای انتخابات این کارخانه هستیم.

آخرین خبر

=====

آخرین خبر رسیده از بخش شیراز حاکیست که سندیکای کارگران هتل کورش که ۴۲۰ نفر در آن کار می کنند به هیئت موسس کنفدراسیون کارگران ایران پیوسته است.

در همین خبر آمده است که کارخانه شیش شیراز در صدد تجدید تشکیلات است و فعلاً کارگران این کارخانه در حال مطالعه هستند که سندیکای شورا را تشکیل دهند.

ضمناً سندیکای کارگران کارخانه خوش طعم نیز در حال تأسیس و پیوستن به هیئت موسس کنفدراسیون است.

از بخت ما زندران اطلاع حاصل شد که سندیکای کارگران کارخانجات پنبه پاک کنی کرگان و حومه بعد از مطالعه اساسنامه و منشور هیئت موسس کنفدراسیون کارگران ایران در جهت ایجاد شعبه در ما زندران برای همکاری داوطلب شده اند. لازم به توضیح است که کارگران کارخانه پنبه صنعتی کرگان به تقدم ایجاد این سندیکا بوده اند و برغم مشکلاتی که در راه ایجاد سندیکای مشترک بین چند کارخانه موجود است، کار خود را با موفقیت پیش برده اند.

در ضمن سندیکای فوق طی اعلامیه ای با آ و ر شده که حداقل دستمزد از طرف دولت ۵۶۷ ریال تعیین شده تا کارفرمایان نتوانند از نا آگاهی برخی از کارگران سوء استفاده کنند و دستمزد کمتر سپردارند.

فعالیت شعبه شیراز

مسئولین هیئت موسس کنفدراسیون کارگران ایران در شیراز ظرف ماه گذشته به چندین کارخانه و موسسه محمله شرکت شیر منطقه ای فارس، هتل داریوش، مهسان برای جهانگردی و هتل کورش مراجعه کرده و ضمن همکاری در حل بعضی مسائل کارگری این واحدها جهت همکاری تشکیلاتی شوراها و سندیکای شیراز تبادل نظر کرده اند که این گفتگوها در جهت همکاری ادامه دارد.

از میان این واحدها شرکت شیر منطقه ای فارس فاقد تشکیلات کارگری بوده که مسئولین بخش شیراز در جهت ایجاد سندیکای این واحدها اقدام کرده اند که گزارش زیر در این مورد است.

مشکلات کارگران اخراجی آکام فلز

عده ای از کارگران و تکنسینهای اخراجی شرکت آکام فلز که میراژمدتها دوندگی و مراجهه به مقامات مختلف برای بازگشت نگارنده ای نگرفتند، به دبیرخانه هیئت مؤسس کنگفدراسیون کارگران ایران مراجعه کرده و مشکلات خود و علل اخراج و شرایط موجود در شورای کارخانه و حواکم در میان کارگران را توضیح دادند. بطوریکه چنان تسلیمانی در کارخانه شده که عملاً کارگران در مقابل این عده اخراجی ایستاده و مخالف با زکشت آنان بسرکار هستند. روز بعد کارخانه مراجع شد، نماینده وزارت کار هم برای رسیدگی بکار حضور داشت و بعد از ساعتها بحث و مذاکره با اعضای شورای امور مشروط با بازگشت این عده موافقت شد. شرطش هم این بود که در یک جلسه عمومی کارگران با بازگشت آنها موافقت کنند. تا زمان تهیه این گزارش هنوز از تشکیل این جلسه اطلاعی نداریم.

ما امیدواریم کارگران این کارخانه با توجه به واقعیات و تسلیحات سوئی که انجام گرفته در افکار خود تجدید نظر کنند و با استقبال از همکاران اخراجی خود، اینگونه توطئه های نفاق افکنانه را در هم شکسته و سرتا اتحاد و همبستگی بین خود بیشتر کنند نمایند.

بقیه افتتاح شعبه

هما نظوریکه ما م گفته است: "اداره موراین مملکت بدست کارگران است." ما کارگران از استان خوزستان که در جلسه افتتاحیه شعبه هیئت مؤسس کنگفدراسیون کارگران ایران شرکت نموده ایم، قاطعانه از خط انقلابی ما م بخاطر کوتاهی کردن دست تما میکانگان بخصوص آمریکا - شوروی - انگلیس - صهیونیسم، پشتیبانی میکنیم. همچنین از مبارزات ضد امپریالیستی مردممان که با اشغال لانه جاسوسی آمریکا به اوج نوینی رسیده پشتیبانی مینمائیم.

ما کارگران که در این اجتماع شرکت نموده ایم بخاطر ادامه انقلاب بطور متشکل خواهان داشتن تشکیلات واقعی خود میباشیم، بهمین مناسبت پشتیبانی خود را از هیئت مؤسس کنگفدراسیون کارگران

بقیه ضرورت تشکیلات

کارگران با بدضمن با لابردن روحیه طبقه ای و ایجاد تشکیلات مستقل همواره نمونه مبارزه ضد امپریالیستی و وحدت خلق باشند و در شرایط فعلی مبارزه عمومی و اصلی یعنی مبارزه استقلال طلبانه را در سرلوحه کار خود قرار دهند و صفوف خود را بشورده نگاه دارند.

♦♦ آیا میدانی که

هر حرکت انسان نوعی مبارزه است

سوادیادگرفتن، مبارزه با جهل و نادانی است
متورت با دیگران مبارزه ای است با اشتباهات گذشته

استفاده از وسایل ایمنی کارگاهی مبارزه ای است برای کاهش سوانح

شرکت در تدوین قانون کار مبارزه ای است برای

کوتاه کردن دست کارفرمایان از نوشتن آن

سیکار کشیدن بمعنی مبارزه با سلامتی است

ایجاد تشکیلات کارگری مبارزه ای است علیه تفرقه در این طبقه

زدن واکنش مبارزه ای است علیه بیماریها

تلاش ملت برای سرنگونی شاه بخشی از مبارزه ضد امپریالیستی آنان بود

ایران اعلام داشته و خواهان ایجاد شعبه هیئت مؤسس کنگفدراسیون در استان خوزستان میباشیم. ما کارگران که در این اجتماع گرد هم آمده ایم خواهان بهبود وضع کارگران ایران در تمام زمینه ها از جمله حل مسئله بیکاری هستیم.

- درود بر ما م خمینی رهبر انقلاب اسلامی ایران

- پیش بسوی تشکیلات سراسری کارگران ایران

- زنده باد اتحاد و همبستگی کارگران ایران

برای ایجاد دستگاه دوش در
کوره پزخانه های محمود آباد
ما رایاری کنیم

کارگران اصلاً درست نیست، چون با تحقیقاتی که کارگران انجام داده‌اند، مواد اولیه کافی در استان تهران موجود است.

با توجه به اینکه در کارخانه‌ها دستگاه‌ها کمی موجود است که در حال حاضر از آنها استفاده نمی‌شود در صورت بکار انداختن این دستگاه‌ها مواد اولیه (علاج) که از خارج وارد می‌شود می‌تواند در داخل کارخانه تولید شود. پس علت اصلی کاهش تولید کارخانه، زیاد بودن کاشی در بازار است که این تولیدات خواهد شد و کارفرما منتظر روزیست که کاشی کمیاب گردد تا آن موقع تولید را با لایبره و کاشی رانا چندین برابر قیمت به بازار عرضه کند.

بنا بر این با سیاستی که کارفرما پیش گرفته، یعنی با شین آوردن سطح تولید، خطر اخراج دیگر کارگران مانند دو کارگر اخراجی هر روز تشدید می‌شود. پس کارگران باید برای افشا سیاست‌های کارفرما و مبارزه علیه توطئه‌های وی از جمله اخراج آنان، در درون تشکیلات خود هر چه بیشتر متحد شده، به نیروی خود تکیه کنند و تمفیه کارخانه را عناصر سرنگارگری و بازگشت کارگران اخراجی را به پیش برند.

فرصت طلبی کارفرما

گزارشی از کارخانه کاشی و سرامیک

طی گزارشی که گروهی از شوراهای کارگری استان فارس نوشته‌اند و مدارکی از کارگران اخراجی کاشی و سرامیک حافظ بدست ما رسید، که گویای همستگی شوراهای کارگری استان فارس با کارگران کارخانه کاشی و سرامیک حافظ است. بحالت مفصل — بودن گزارشات به جمع‌بندی و ذکر نکاتی از آن می‌پردازیم: کارخانه کاشی و سرامیک حافظ با ۴۰ کارگر، دارای مسایل و مشکلات مختلفی از جمله کاهش آمدن تولید، اخراج کارگران می‌باشد. این کارخانه در دوران طاغوت در یک محیط سرکوب و اختناق تولید مثنی ارتشی اداره می‌شده است. بطوریکه سرلشکر افتخارزاده، رئیس کارخانه، سرهنگ هادی پور، معاون رئیس، سرگرد کمندی و سروان غروی انتظامات کارخانه را بدست داشتند. استوارکیشان نیز ادو استوارخیاطی سرنگه‌بان بودند. گروه‌بان احمد مهدیان سمت کتترلجی را داشت و همکار بازرسی شاهنشاهی تیمسار آریا، که روشن است این کارخانه را بصورت یک پادگان میگرداندند.

امروز نیز کارفرما ضمن تائید طریق اداره کارخانه بشکل سابق، به اخراج کارگر در گذشته توسط ارتشیان صحنه میگذارد و خود سرانه تمام نامه‌ها و مراجعات مقامات مسئول و توانایی را که برای بازگرداندن کارگران اخراجی بوده پشت گوش می‌اندازد و اخیراً "دونفر دیگر از کارگران راهم اخراج کرده و مبارزات کارگران را سرکوب می‌کند و سندی‌کای کارگران را مورد حمله قرار میدهد.

میزان تولید سابقاً "۱۸۰۰۰۰ کاشی در روز بوده — است که امروز به گفته کارگران ۴۰ الی ۴۰ هزار و بگفته کارفرما ۱۱۰ تا ۱۲۰ هزار عدد است. علت کاهش تولید را مسئولین کارخانه کمبود مواد اولیه ذکر می‌کنند. در صورتیکه این دلیل بنظر



مادر کار می‌کند و کودکش تمرین کار

اعضای هیئت موسس حضور داشته و جهت احقاق حقوق کارگران و بازگرداندن آقای سهراب قزوینی بر سر کار فعالیت کرده‌اند.

یک واقعه، امیدوارکننده و قابل ذکر، پشتیبانی کارگران یک واحد تولیدی دیگر بنام مرغ کدخدا بوده است که مصرا "خواستار بازگرداندن آقای سهراب قزوینی به سرکار و ادامه فعالیتش در شورا بوده‌اند. موفقیت این واحد تولیدی را به آقای سهراب قزوینی و دیگر دوستانش تبریک می‌گویم.

۳- واحد تولیدی دیگری که کارگران آن خواسته‌هایی به حق داشته‌اند و دارند مرغ کدخداست کارگران این واحد تولیدی مرغ و تخم مرغ، وقتی خواستند تشکیلات واقعی خود را درست کنند با مخالفت کارفرما مواجه شدند و مجبور شدند برای ادامه مبارزه و احقاق حقوق خود به تهران بیایند که خبر مفصل آن در گزارشی جداگانه آمده است.



خواست کارگران شیلات گرگان

سندیگای کارگران شیلات ناحیه ۴ گرگان طی نامه‌ای از دادستان انقلابی شهرستان گرگان خواست تا بوضع هیئت مدیره و مدیرعامل اداره دولتی شیلات که آلت دست سودجویان و چپاولگران بیت‌المال قرار گرفته رسیدگی نماید زیرا نمیتواند بطور قاطع و انقلابی عمل کند و به خواسته‌های بحق کارگران جامعه عمل بپوشاند. از طرف دیگر ۸ نفر از اعضای شورای شیلات با بلسررا بدون عذر موجهی برکنار نموده و اجباراً آنها را به تهران و بندرانزلی منتقل کرده‌است. در نامه سندیگا خواسته‌های زیر هم عنوان شده است:

۱- افزایش دستمزد کارگران از اول مهر ماه ۵۷ به استناد تصویب نامه ۷۲۶۲۶ - ۵۷/۲/۲۵ که در سطح موسسات دولتی اجرا شده.

ورق بزنید

چند خبر کوتاه

مجمع‌های طیور که تولید مرغ و تخم مرغ را در نقاط مختلف کشور به عهده دارند، اکثراً "از نظر بهداشتی و رفاهی وضعیت نامساعدی دارند. کارگران این واحدها از نظر قوانین مربوط به کار نیز با مشکلات فراوانی دست به‌گیر شده‌اند. از جمله اینکه آنها زیر پوشش قوانین کار عادی نمی‌باشند و قانون کار کشتاوری در مورد آنها اجرا نمی‌شود. آنها نه به صورت کامل.

در دیداری که از چند مجمع طیور واقع در حوالی شهرستان قزوین داشته‌ایم، اکثریت آنها از عمومی‌ترین مزایای بهداشتی و رفاهی بی‌نصیب بودند. حتی در بعضی از واحدها از ایجاد تشکیلات واقعی و قانونی کارگران جلوگیری می‌شد.

۱- مجمع طیور برکت یک واحد تولیدی مرغ و تخم مرغ است که در جنوب آبیگ قزوین قرار دارد. صاحب آن کاشانی سرمایه‌دار معروف است که در شماره‌های پیش مطالبی راجع به او داشته‌ایم. این واحد تولیدی شورایی دارند که کارگران مجمع اعضای آن می‌باشند. در مبارزاتی که تا بحال جهت احقاق حقوق خود داشته‌اند موفق بوده‌اند تا رسانی‌هایی در کارشان وجود دارد. مشکلاتی دارند. امید موفقیت بیشترشان را داریم.

۲- مجمع طیور سمرق در جاده قزوین - بوئین زهرا (نزدیک بوئین زهرا) واقع است. کارگران آن در جریان تشکیل شورای کارگری مبارزاتی داشته‌اند که "موفقیت آمیز بوده است. در جریان این مبارزات یکی از اعضای فعال شورا بنام آقای سهراب قزوینی بازداشت شد. لکن کارگران مجمع و حتی مردم روستاهای اطراف بوئین زهرا از این تنگنا و با درمیانگی و پشتیبانی آنها بعد از یک شبانه‌روز ایشان آزاد شد و به سرکار خود با زکشت. در جریان این بازداشت

بقیه از صفحه قبل

- ۲- پرداخت مزایای ۲۰٪ نوارمرزی کارگران جزیره آشوراده
- ۳- استخدام رسمی ۱۲۷ نفر کارگران فعلی و قراردادی که هریک ۵ الی ۱۵ سال تمام در این اداره مشغول کارند در صورتیکه موسسات دولتی کارگرانی را که ۲ سال بطور مدام مشغول به کار باشند بطور رسمی استخدام میکنند.
- ۴- خرید و دستگاہ مینی بوس جهت ایاب وذهاب کارکنان و محصلین.
- ۵- احداث بیمارستان در جزیره آشوراده (تذکر اینک که ماهانه ۲۵۰ هزار تومان مابین بیمه کارگران کسر میشود)
- ۶- یکسان کردن حق ماوریت کارگران نوکارمندان
- ۷- احداث مسکن برای کارکنان و کارگران آشوراده و تعمیر منازل فعلی کارگران
- ۸- انتقال دفتر هیئت مدیره از تهران به شمال به منظور تسریع کارها.
- ۹- پاکسازی شیلات از بقایای رژیم سابق و کسانی که احساس مسئولیت نمیکند.

عقب نشینی کارفرما

گزارشی از ساری

کارخانه آرد جعفریان در ۷ کیلومتری ساری واقع شده است. دارای ۷۰ کارگر بوده و تولید آن آرد و سیوس میباشد. این کارخانه در اثر اعمال نفوذ صاحب کارخانه و مدیرعامل در رژیم گذشته و با گرفتن وامهای کلان دولتی احداث شده و اکنون مبلغ هنگفتی به بانکها بدهکار است. در زمان انقلاب کارگران با ایجاد کمیته کارگری به پیروی از دستور امام مبنی بر اینکه کارخانجات تولیدغذائی نباید اعتصاب کنند به کار ادامه دادند. نمایندگان کارگران با مدیرعامل مذاکراتی در جهت گرفتن خواستهای کارگران انجام دادند ولی مدیرعامل بجای برآوردن خواستها شروع به توطئه و تحریک

کرده و سعی در تفرقه اندازی بوسیله ایادی مزدور خودش نمود و ۵۵ نفر از فعالین را اخراج کرد. ولی بقیه کارگران به پشتیبانی آنها برخاسته و مدیرعامل محصور به عقب نشینی شد و شکست مفتضحی خورد و حق مسکن به کارگران پرداخت گردید و کارگران مدیرعامل را به کارخانه راه ندادند ولی او در دفتر شهر به توطئه چینی ادامه میدهد و صاحب کارخانه هم بیشتر اوقات خودش را در اروپا به عیاشی میگذراند کارگران کار میکنند، تولید میکنند، صاحب کارخانه باید دسترنج کارگران را در اروپا خرج کند.

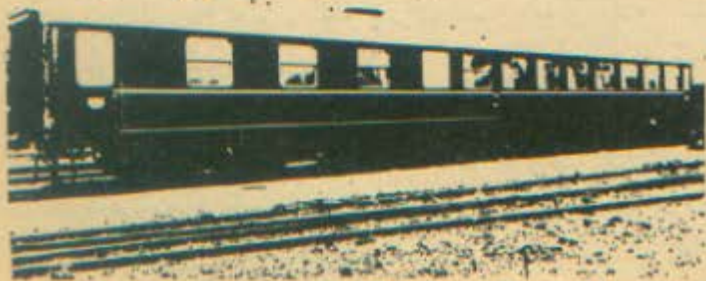
خواستهای فعلی کارگران بقرا زیر است:

۱- پرداخت مابه التفاوت حقوق بر طبق بخشنامه وزارت کار که در اثر اعمال نفوذ کارفرما در اداره کار روستایی با رئیس سابق اداره کار ساری براساس ۳۰۵ ریال تعیین شد.

۲- در رژیم سرنگون شده، کارفرما به هردری میزد پول تهیه میکرد و گندم برای کارخانه میآورد در صورتیکه حالا تولید را با شین آورده و نرخ را بالا برده تا بتوانند روحیه کارگران را تضعیف کرده و به عنوان کارگر اضافی آنها را اخراج کنند و از طرف دیگر با رضایتی را درجا معده ها من زده و کمک به ضد انقلاب نمایند.

۳- کارگران درخواست کرده اند که مدیرعامل ضدکارگر و ضد دین نکلی از حرکت اخراج شود تا بتوانند تولید را بدون اختلالگری عوامل ضد انقلاب بالا ببرند.

در تماسی که نمایندگان کارگران با معاون مدیرکل اداره کار استان مازندران گرفتند ایشان قول دادند که در جهت انجام این خواستها همکاری کنند.



خرج رفت و آدم می شود، یعنی با ۴۰۰ تومان سه نفر آدم با بدیک ما را سرکنند، آنقدر قرض کرده ام که دیگر حالت منکشم.



این بخش از گزارش، اختصاص دارد به گفتگو با سوزن بانان، مانورچی ها، ترمزبانان و کارگران خط (معروف به سیل و کلتکیها) که همگی جزو کارگران فنی بهره برداری راه میباشند.

علی اکبر صاحب دل عضو شورا درباره سوزن بانها میگوید: "کار سوزن بان، هدایت قطار از خطی به خط دیگر است، و کوچکترین اشتباه در این کار باعث برخورد دو قطار میشود، و یا زنبودن امکانات رفاهی در طول خط شکایت داشت."

بدالله ضروری کارمانورچی را اینگونه توضیح داد: "مانورچی مسئول تنظیم مانور قطار و جا بجا کردن قلابها است مانورچی مجبور است در حالیکه قطار در حرکت است بالای آن بریده و کار خطرناک خود را انجام داده و دوباره حین حرکت از قطار یا شین بپرد به همین دلیل جاننش همیشه در خطرات و اغلب دچار حادثه میشوند."

عضو دیگر شورا با زاحمدی میگوید کار ترمزبانها مراقبت قطار در طول راه است. مانند کفش خط گذاشت روی خط و مراقبت از علامتها و کنترل انتهای قطار و جلوگیری از فرار قطار در توقفهای اضطراری.

وی همچنین در مورد مسئولیت رئیس قطارهای باری میگوید: "رئیس قطار مسئول تجهیزات قطار و کنترل فنی و محمولات و باربندیها است. و در قطارهای باری با شرایط سخت مجبور است در سفرهای ۱۵ ساعته در محلی معروف به تانبوت ایستاده که در واقع تا یکی نیم متری است سرپا در زمستان و تابستان خدمت کند لطفاً ورق بزنید

میگوید که: "غیر از مشکل مسکن و درمان در حال حاضر بنا را حتی بزرگ ما ساعت کار و میزان پرداخت اضافه کاری است. با اینکه ما محبوریم روزانه بیش از ۱۲ ساعت مدام کار کنیم حتی روزهای عید و قتل و جمعه ولی بجا اضافه کاری نمیدهند. ما هر کدام ماها نه حدود ۱۸ ساعت اضافه کاری داریم که پول آنرا برای ۶ ماه اول سال ۸۵ برای شش ماه دوم ۴۰ ساعت حساب و پرداخت میکنند. در زمان شاه مخلوع بابت اضافه کاری ماها نه حداقل نپصد تومان میگرفتیم. ولی بعد از انقلاب مدتی به ما ۴۸۰ تومان دادند و تازه قرار است از این بجز ۵۶۰ تومان بدهند."



در مورد مشکلات زندگی و رابطه اش با دستمزدهای پایین کارگران آقای جزعی دهقانی میگوید: "من ۵۰۰ هزار تومان دارم، ماهی ۲۵۰۰ تومان با اضافه کار و مزایا میگیرم، از این پول باید هزار و صد تومان هم بابت خانه بدهم، این است که برای حفظ آبرو محبوریم به نان خالی قناعت کنیم."

حسنعلی صفری هم زن و بچه دارد و ماهی ۱۰۰۰ تومان بابت قسط یک خانه ۴۰ متری دواتا که با برادرش - مشترکاً "در آن زندگی میکند میپردازد."

آقای بیوک احرسی ۴۵ ساله میگوید: "من قبلاً هم اینها نزدیک به ۵ سال کار میکردم که بدلیل ما زاد بیرونم کردند، الان ۴ ماه است که دوباره اینجا کار میکنم، ۱۰۸۰۰ تومان حقوق میگیرم."

سردرد دل که بازمیشود آقای بهلول دادخواه نیز میگوید: "من با این حقوق علاوه بر خرج زن و بچه باید ۵۰۰ تومان هم اجاره خانه بدهم، ۱۲۰۰ تومان هم

۲- ایمنی و حفاظت جانی

کارگران از نبودن افراد مسلح در قطارهای باری و میگفتند چنانچه در بین راه خطری آنها را تهدید کند کسی برای مراقبت از جان آنها وجود ندارد. از طرف دیگر کمبود وسایل ایمنی مانند کفش و لباس ایمنی

لباس مخصوص و کمکهای اولیه نیز از جمله مشکلات کارگران است. برای مثال چندی پیش به علت نداشتن آمبولانس در محل کار، کارگری بنام محمد منفرد که زیر قطار رقت چون بموقع به دکتر نرسید جان سپرد. ماه پیش هم کارگری که نزدیک بازنشنگی بود به علت ماندن بین دو قطار و نرسیدن آمبولانس جان داد.

۳- کار طاقت فرسا و کمبود نیروی کار

ایاز محمدی میگفت ۱۰ سال پیش در این قسمت ۲۷۵ نفر کار میکردند، اکنون با توجه به گسترش کار فنی ۱۰ نفر هستیم. ۱۰ سال قبل روزی ۱۲ قطار را راه می-انداختیم امروز ۲۴ قطار را و همه این فشارها را در زمانی متحمل میشویم که این همه بیکار در کشور وجود دارند.

بعضی خواسته های کارگران راه آهن

۱- پاک سازی

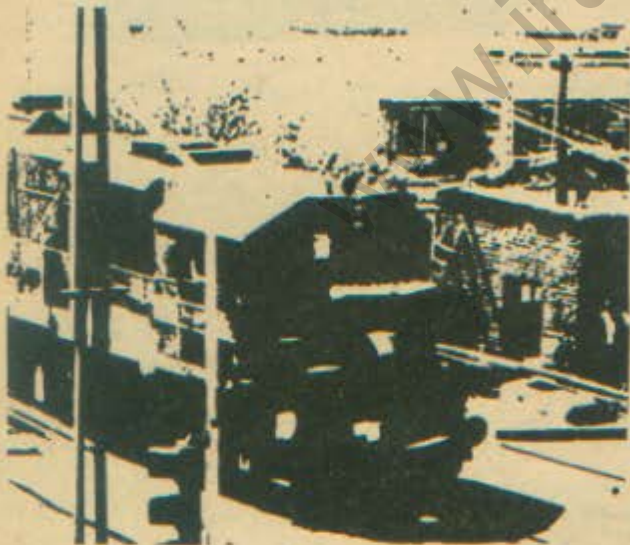
سید عبدالوهاب حسینی ما نورچی میگویی: " در راه آهن تا بحال پاک سازی نشده و همان مسئولین سابق همچنان سرکارند و هیچ توجهی هم به وضع ما ندارند اکثر کارگران خواهان پاک سازی راه آهن از عناصر



فاسد و فاسد مردمی هستند." وی ضمن اشاره به انگشت قطع شده دستش میگویی: "من آنرا حین کار از دست دادم موقعی که به رئیس ناحیه مراجعه کردم در جوابم گفت: کی به تو گفته بود جلوی فرار قطار را بگیری آقای حسینی از میلیونها تومان ماشین آلات و سرمایه های سخن میگفت که را کدما نده است.

یکی دیگر از کارگران میگفت که بعضی از رویه سا کارگران خط را بعنوان نوکرو آشپز به خانه خود می برند و از آن استفاده میکنند.

در جای دیگر کارگران اشاره میکنند که رویه سا خیلی دوست دارند که به ما فشار بیاورند تا اعتصاب کنیم ولی ما با تمام مشکلات بکارمان ادامه میدهیم و با جنگ و دندان نمیگذاریم کار متوقف شود. البته در مقابل توضیح داده ایم که باید هر چه جدی تر موضع ما رسیدگی شود.



۴- اقتصادی

کارگران از کمبود حقوق شکایت دارند و به این نکته اشاره میکنند که افراد شیفته ماهانه ۲۲ ساعت بیش از معمول کار میکنند و آنهم بیشتر در شب بدون آنکه اضافه کاری به آنها تعلق گیرد.



چند پیام



ما گذشته دبیرخانه هیئت موسس کنفدراسیون پیام‌های در رابطه با ترور آیت‌الله طباطبائی و بمناسبت ۱۳ آبان روز دانش‌آموز و اشغال لانه جاسوسی آمریکا و شهادت دکتر سیدحسین فاطمی صادر کرد که بعضاً "در رسانه‌های گروهی منعکس شد:

متن پیام به مناسبت تصرف سفارت آمریکا بشرح زیر است:
 بار دیگر خلق ما خروشید و بی‌خاست تا مشیت محکمی بردها ن امپریالیسم آمریکا این دشمن غمدار خلق ایران بکوبد و پایگاه‌های جاسوسی را برچیند.
 جوانان دانشجوی انقلابی و وطنمان که در اشغال سفارت آمریکا پیشقدم بودند، ثابت کردند که ملت ما دیگر حاضر نیست زیر بار ابرقدرتها برود و این هشدار است به آنها تا بخود آیند و از توطئه و فتنه - انگیزی علیه مصالح و منافع ملت ما دست بردارند.
 هیئت مؤسس کنفدراسیون کارگران ایران این عمل انقلابی و ضدا امپریالیستی جوانان دانشجو را که با پشتیبانی قاطع ملت مبارز ایران همراه است، تأیید کرده و معتقد است که وحدت و یکپارچگی تمام خلق، هشیاری و آگاهی مردم و بسیج و آمادگی ملت برای درهم شکستن هر نوع توطئه و دخالت امپریالیست‌های شرق و غرب از مناسبات اساسی حفظ استقلال میهن و ادامه پیروزمندان انقلاب است.

زنده باد اتحاد ضدا امپریالیستی ملت بیدار ایران
 زنده باد همبستگی مبارزه جوانان کارگران و دانشجویان میهن پرست ایران
 مرگ بر امپریالیسم جنایتکار آمریکا

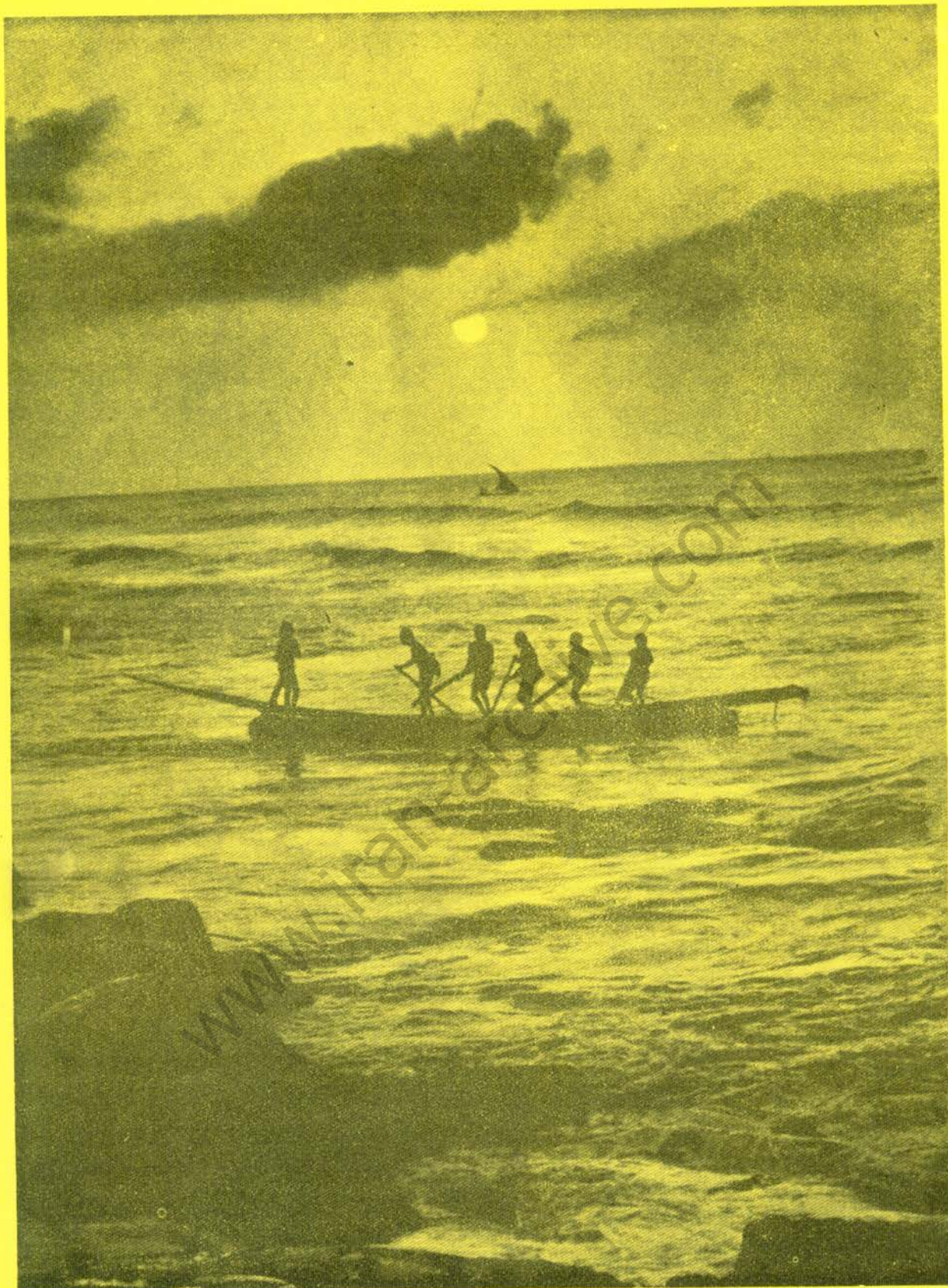
دبیرخانه هیئت مؤسس کنفدراسیون کارگران ایران

در رابطه با ترور آیت‌الله طباطبائی آمده بود: "هیئت موسس کنفدراسیون ضمن محکوم نمودن ترور آیت‌الله طباطبائی این حادثه تاسف‌بار را بدهیبری انقلاب و عموم ملت مبارز ایران تسلیت گفته و اعلام میدارد که این گونه حوادث برخلاف تصور ضدا انقلاب، عرم‌نوده‌های میلیونی را در جهت پیشبرد انقلاب را سخر می‌نماید."

ضمناً "در مراسمی که بمناسبت سالگرد شهید دکتر حسین فاطمی در سالن کتابخانه، مرکزی دانشگاه تهران برگزار شد. و گروه‌های مختلف شرکت داشتند، هیئت موسس نیز شرکت کرد و کا رگری به نمایندگی، پیام هیئت موسس را قرائت نمود.

در قسمتی از پیام آمده بود: "شهید دکتر حسین فاطمی، وزیر خارجه دولت ملی دکتر محمد مصدق میهن پرستی راستین و مبارزی پر شور بود که تا پای جان از خواسته‌های خلق برای کسب استقلال و آزادی و علیه امپریالیسم و استبداد حاکم دفاع کرد. او بود که در راه مبارزه ضدا امپریالیستی برای اولین بار پیشنهاد ملی شدن صنایع نفت را مطرح کرد.





۲۵ ریال

نشانی: خیابان طالقانی (تخت جمشید) بین حافظ و مصدق پلاک ۱۴۳ - تلفن ۶۶۲۲۷۹